

تبیین و تحلیل ویژگیهای مدارس موفق در آموزش و پرورش ایران معاصر

دکتر اقبال
*قاسمی پویا

چکیده

در این مقاله کوشش شده است که عملکرد مدرسه‌های موفق در آموزش و پرورش معاصر ایران مطالعه و ویژگیهای آنها شناسایی و معرفی شوند. به این منظور، پرسشهای زیر طرح شد تا با یافتن پاسخ به این پرسشها به آنچه در نظر داریم، دست یابیم. مدرسه‌های موفق چه ویژگی‌هایی داشتند؟ وجوه اشتراک و افتراق این مدارس و انگیزه‌های مدیران و بانیان آنها چه بود؟ و سرانجام اینکه از این مدارس چه نتایجی حاصل شد و چه درسهایی می‌توان از آنها آموخت؟ براساس یافته‌های این مطالعه برخی از ویژگیهای مشترک و خاص مدرسه‌های موفق عبارت است از: داشتن هدفهای خاص، افزودن بر هدفهای مصوب وزارت آموزش و پرورش؛ بهره‌گیری از معلمان و مدیران علاقه‌مند و کوشا. مشارکتی عمل کردن (فکری و مالی)؛ داشتن نظامنامه خاص مدرسه؛ داشتن بینش تربیتی و علمی؛ توجه به استقلال شخصیت کودکان و نوجوانان و پروردن انسانهای متکی به خود و کارآمد؛ توجه یکسان به همه دروس؛ توجه ویژه به ورزش و تغذیه و بهداشت؛ توجه به مطالعه و کتابخوانی؛ توجه به کار عملی و آزمایشگاهی؛ دوری کردن از سیاست و سیاست‌بازی ...

ویژگیهای خاص مدارس موفق

دریافت مقاله: ۸۷/۸/۱۱ تصویب نهایی: ۸۷/۱۰/۱۲
* عضو هیأت علمی بازنشسته پژوهشکده تعلیم و تربیت
ghasemipooya@yahoo.com

مدرسه علوی: پیوند دین و علم؛ توأم کردن برخی دروسها؛ مثل قرآن، آموزش دینی و عربی؛ پذیرش دانش‌آموزان براساس ویژگیهای خانوادگی و اعتقادی و بینشی؛ مدیریت اقتدارگرایانه روحانی و ...

مدرسه البرز: مدیریت اقتدارگرایانه علمی؛ رده‌بندی دانش‌آموزان براساس تواناییهای تحصیلی و معدل؛ ثبت نام براساس معدلها؛ هیئت امنایی عمل کردن؛ مشارکت مالی اولیا و دیگران؛ تدریس معلمان زن در کلاسهای پایین؛ ارزیابی مداوم معلمان و دانش‌آموزان و ...

مدرسه فرهاد: دوری کردن از رقابتهای معمول در مدارس؛ توجه خاص به مطالعه و کتابخوانی و کتابخانه؛ تدوین قوانین خاص مدرسه به یاری دانش‌آموزان و کارکنان؛ نوشتن کتابهای درسی به یاری کارکنان و دانش‌آموزان؛ برقراری ارتباط مستمر با دانش‌آموختگان؛ استخدام معلمان عادی و پرورش آنان ضمن کار؛ مدرسه تجربی بودن برای وزارت آموزش و پرورش؛ همکاری نزدیک با دست‌اندرکاران دستگاه رسمی و غیررسمی آموزش و پرورش؛ گزینشی عمل نکردن و ...

مدرسه‌های موفق همه مدیون مدیران و معلمان موفق بودند؛ مدیران پی در پی تغییر نمی‌یافتند؛ مدیران آزادی عمل نسبی داشتند؛ این آزادی عمل را آنان خود به دست می‌آوردند. نامناسب بودن زیرساختهای اجتماعی و تقلید کورکورانه از پیگانگان سبب شد که کارهای مدارس موفق تعمیم نیابد. مدیران موفق شیوه‌ای یکسان نداشتند؛ مشارکت به صورتهای گوناگون نقشی اساسی داشت؛ مدیران دارای بینش علمی و تربیتی بودند؛ به پرورش کار و اندیشه توأمان توجه می‌شد؛ مدارس هدفهای خاص و ویژه هم داشتند؛ آیین‌نامه‌ها و قوانین را به نفع دانش‌آموزان تفسیر و عمل می‌کردند و ...

در تهیه این مقاله آقای سعید وزیری نگارنده را فراوان یاری کرده‌اند. بدین وسیله از همکاریهای ایشان تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

کلیدواژه‌ها: مدرسه‌های موفق؛ ویژگیهای خاص مدارس موفق؛ ویژگیهای مشترک مدارس موفق

پایه‌های نخستین مدارس جدید ایران در دوره قاجار و پس از تأسیس دارالفنون (پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ ق/ ۱۲۳۱ ش)، مصادف با سالروز قتل امیر کبیر بنا نهاده شد. گرچه پس از تأسیس دارالفنون یکی دو مدرسه به تقلید از آن در ایالات و ولایات دیگر، مثل تبریز و اصفهان تأسیس شدند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، معتمدی، ۱۳۸۶)، اما این مدارس، جز دارالفنون، دیری نپاییدند تا اینکه در حدود سی و شش سال بعد (۱۳۰۵ ق / ۱۳۶۷ ش) به همت میرزا حسن رشديه که بعدها "پیر معارف ایران" لقب گرفت، نخستین مدرسه به سبک جدید تأسیس شد. تأسیس این مدرسه تهمت‌ها و افتراهایی از سوی مقدس‌مآبان برای رشديه به دنبال داشت به گونه‌ای که حتی وی را تکفیر و مهدورالدم اعلام کردند (رشديه، ۱۳۶۲ ش، رشديه، ۱۳۷۰، امید، ۱۳۳۲)، اما همچنان که رسم تاریخ است، نور بر ظلمت پیروز شد و پس از رشديه، مدارس یکی بعد از دیگری در سراسر ایالات و ولایات آن روزگار گشوده شدند. تعلیم و تربیت امروز ما نتیجه آن تلاشها و مبارزات فرهنگ دوستان و تلاشگران است.

در پی گسترش کمی و کیفی مدارس از آن روزگار تا کنون که معمولاً "آموزش و پرورش معاصر" خوانده می‌شود، مدارس چند، نسبت به مدارس دیگر توفیقه‌ها و پیشرفت‌های بیشتری داشتند که در اینجا مدرسه‌های موفق نامیده می‌شوند و در این مقاله وضعیت و تأثیرات این مدارس در ایران بررسی خواهد شد.

مفهوم مدرسه موفق و معیارهای آن

در این قسمت، تلاش شده است که پیش از پرداختن به توصیف و تحلیل توفیقه‌های مدرسه‌های موفق در ایران معاصر، نخست تعریفی منطقی و در صورت امکان همگان‌پذیر، از مفهوم "موفق" یا "برتر" ارائه شود و شاخصهای استاندارد این مفهوم مشخص شوند تا بتوانیم بر مبنای این شاخصهای علمی داوری کنیم. متأسفانه به علت دشواری این کار و انتقادهایی که بر تعیین استانداردهای برتر و مقایسه‌هایی از این نوع صورت گرفته است، این کار ممکن نیست. گویی دشواری کار تنها برای

نگارنده مطرح نبوده است، بلکه این کار در اصل چندان هم آسان نیست. دونالدچاکرو هاینز، مؤلفان کتاب "مدارس برتر جهان: استانداردهای جدید آموزش و پرورش" (۱۳۷۶) آورده‌اند: "هنگامی که مقایسه نتایج آزمونهای بین المللی نشان داد که ایالات متحد آمریکا در عرصه‌های گوناگون با رکورد مواجه شده است، یک مقام وزارت آموزش و پرورش ایالات متحد اعلام کرد: "تنها هنگامی می‌توانیم به نتایج برتر دست یابیم که مدارس و دانش‌آموزان برتر داشته باشیم. توضیح وی با معنا بود. [اما] در جواب این سؤال که: "استانداردهای برتری کدامند؟" بعد از یک مکث معنادار پاسخ داد: کاش می‌دانستم! (ص ۱۵). با این حال در این کتاب اصطلاح "برتر جهانی" به معنای "عالی" و "فوق‌العاده خوب" در نظر گرفته شده است.

تعریف مفهوم "برتر" از نظر اندیشه گران و مدیران موفق برخی از مدارس ما نیز خالی از اشکال و انتقاد نیست. استاد توران میرهادی به هنگام مصاحبه^۱ نگارنده با ایشان که پیش از تدوین این مقاله صورت گرفت به شدت از مفهوم "برتر" و رقابت دانش‌آموزان و واداشتن آنان به این کار انتقاد کردند و آن را بازمانده از رسوبات فکری خودکامگان غرب دانستند. همین موضوع به صورت مکتوب هم در آثار ایشان بیان شده است (میرهادی، ۱۳۸۶: ۲۰-۱۹). این استدلالها و دشواری تعیین معیار "برتری" یا "موفق"، مشخص کردن "مدرسه موفق" را دشوار می‌کند. از این رو، در این مقاله به مسامحه، منظور ما از مدرسه‌های موفق مدارسی است که در درجه نخست در جامعه به ویژه در میان فرهیختگان و دانش‌آموختگان کشورمان دارای شهرت و نام نیک است و در درجه دوم در رسیدن به هدفهای آموزشی رسمی و غیررسمی، که هدفهای غیررسمی را خود مدارس تعیین می‌کردند، موفق بوده‌اند: مدارس موفق، یعنی مدارس اثرگذار. اثرگذاری از جنبه‌های گوناگون.

حال بررسی می‌کنیم که مدرسه‌های موفق چه ویژگیهایی داشتند؟ وجوه اشتراک و تمایز این مدارس با مدارس دیگر چه

۱. این مصاحبه را نگارنده و غلامحسین حسین زاده در تاریخ ۸/۸/۸۷ در شورای کتاب کودک انجام داده‌اند.

بود؟ انگیزه مدیران و بانیان این مدیران در اداره خوب یا تأسیس آنها چه بود؟ نتایج عملکرد این مدارس کدام است؟ این مدارس از نظر هدف و محتوا و روشهای آموزش چه تفاوتی با مدارس دیگر داشتند؟ سرانجام اینکه از عملکردهای این مدارس چه درسهایی می‌توان آموخت؟

هدف مقاله

شناسایی برخی از مدارس موفق و مشخص کردن انگیزه‌های بانیان و اداره‌کنندگان آنها و برشمردن ویژگیهای مشترک و غیرمشترک این مدارس به منظور آگاه‌ساختن و احتمالاً بهره‌گرفتن دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور، در کارهای آموزشی آنان و نشان‌دادن تاثیر این مدارس هدف دیگر مقاله است. تاثیر از جنبه‌های گوناگون مانند: اندیشه‌های تربیتی، هدفهای تربیتی، تربیت انسانهای فرهیخته و اخلاقی، ساختن انسانهای آزاده و میهن دوست، گسترش دانش و مهارتها و خدمات علمی و فرهنگی دانش‌آموختگان و در نهایت تحلیل یافته‌ها و اعلام نتایج به امید احتمال به کارگیری آنها از سوی دست‌اندرکاران تربیتی کشور.

روش توصیف و تحلیل

اطلاعات این مقاله از مطالعه اسناد موجود و قابل دسترسی برای نگارنده و مصاحبه با تنی چند از مدیران و معلمان پیش‌کسوت و دانش‌آموختگان این مدارس حاصل شده است. کوشیده‌ایم صرفاً به توصیف اطلاعات به دست آمده بسنده نکنیم، بلکه پس از توصیف یافته‌ها به تحلیل آنها نیز پردازیم و سرانجام آموزه‌هایی برای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت میهنمان استخراج و معرفی کنیم.

محدودیت کار

کمی وقت و گسترده بودن اسناد و در نتیجه دسترسی نداشتن به همه آنها، مقاله را محدود به بررسی چند مدرسه ساخت. امید است در آینده نه تنها مقاله‌های دیگری را در این

زمینه، نگارنده و دیگران بنویسند، بلکه مسئولان پژوهشهای آموزشی کشور نیز به جای پرداختن صرف به پژوهشهای آموزشی که در دهه اخیر در کشورمان متداول شده است و جای بحث و نقد بسیار دارد. (قاسمی پویا، ۱۳۸۴) زمینه پژوهشهایی از این نوع را نیز فراهم کنند.

ویژگیهای مشترک مدارس موفق

گرچه مدرسه‌های موفق ایران معاصر هر یک ویژگیهای خود را دارند، اما می‌توان گفت که از برخی نظرها دارای وجوه مشترک نیز هستند. فراموش نکنیم که این وجوه مشترک امری نسبی است و از نظر بنیان فکری و هدف و عملکردها تفاوتی با یکدیگر دارند. مثلاً در اکثر آنها تلاش شده است که برای بالا بردن کیفیت آموزش یا فراهم کردن امکانات آموزشی بهتر، از مشارکت مردم بهره ببرند، اما مفهوم و چگونگی مشارکت در آنها متفاوت بوده است. در مدرسه فرهاد استاد توران میرهادی، در مقام مدیر و رهبر مدرسه، تلاش می‌کردند و معتقد بودند که همه امور مدرسه به صورت مشارکتی انجام گیرد. در این مدرسه، تصمیم‌گیریها کار معلمان و دانش‌آموزان، رابطه والدین و مربیان مدرسه... همه بیش از آنکه جنبه مالی داشته باشند، اغلب بر مبنای مشارکت فکری بوده است (میرهادی، ۱۳۸۶: ۳۹)، در صورتی که در مدرسه البرز همه تصمیمها را اغلب دکتر مجتهدی، مدیر مدرسه، می‌گرفت و برای اجرای آن از دیگران یاری و کمک می‌طلبید. تحلیل محتوای اسناد مربوط به این مدرسه نشان از آن دارد که در مدرسه البرز مدیریت هر می و اقتدارگرا حاکم بوده است (آدمیت، ۱۳۵۴، مجتهدی، ۱۳۸۵). با این حال می‌توان ویژگیهای مشترکی میان این گونه مدارس بر شمرد:

این مدرسه‌ها افزون بر هدفهای کلی و رسمی نظام آموزش و پرورش روزگار خود، برای مدرسه خود هدف خاصی هم در نظر داشتند. "مدرسه فرهاد از آغاز هدف دیگری برای خود در نظر گرفته بود. به منظور پاسخ‌یافتن به پرسش قرن بیستم، یعنی راهها و روشهای آموزش و پرورش انسانهای آزاده و تصمیم‌گیرنده، برای خود نقش مؤسسه‌ای تجربی در کنار آموزش و پرورش قائل بود" (میرهادی ۱۳۸۶: ۳۲) مدرسه علوی به این

منظور درست شد که هر دو جنبه علمی و معنوی قوی داشته باشد. مرحوم علامه در این باره چنین آورده است: نه اینکه به بچه‌ها بگوییم فقط قرآن بخوانید، روضه بروید و سینه بزنید یا مثل مدرسه البرز و هدف، دکتر و مهندس بیرون بدهد... این غم در دل من است که بچه‌های ما دوره دبستان را طی می‌کنند، وقتی می‌روند در دبیرستانها، لامذهب می‌شوند (علامه کرباسچیان، WWW.allameh.ir).

در «سده‌نامه دبیرستان البرز» (۱۳۵۲-۱۳۵۳) که به کوشش منوچهر آدمیت (۱۳۵۴) تدوین یافته هدف این مدرسه از قول مدیر آن چنین بیان شده است: "دکتر مجتهدی معتقد است جوانانی که از دبیرستان البرز فارغ‌التحصیل می‌شوند غیر از ملکات فاضله اخلاقی و غرور ملی و شاه دوستی^۱ که سیرت و طبیعت هر ایرانی پاکیزه سرشت است [!] باید به دو خصیصه روحانی: اتکا به نفس و نظم و انضباط آراسته باشند" (آدمیت ۱۳۵۴: ۲۶). خود مجتهدی در خاطراتش می‌گوید: دو انگیزه مرا به رئیس‌شدن در البرز علاقه‌مند ساخت: نخست اینکه مملکت را باید جوانان فاضل ایرانی آباد کنند، نه خارجی. دوم اینکه عزیزترین وجود برای پدر و مادرها، بچه‌هاست. باید آنها را به گونه‌ای تربیت کرد که افراد برجسته مملکت باشند و به مملکت به سهم خود خدمت کنند (مجتهدی ۱۳۸۵: ۳۵). وی سپس اظهار می‌دارد که «در طول ۳۷ سال خدمت با احتساب مدیریت مدرسه شبانه‌روزی البرز، حدود پنجاه هزار دیپلمه تربیت کردم، یکی از یکی برجسته‌تر». (همان منبع).

در همه این مدارس کوشش می‌شد که در درجه نخست محتوای آموزشی رسمی و مصوب وزارت آموزش و پرورش کاملاً به اجرا درآید. افزون بر آن هر مدرسه می‌کوشید با توجه به هدفهای خاص مدرسه و علاقه‌مندی گردانندگان و مقتضیات زمان، برنامه‌هایی به صورتهای گوناگون اجرا شود: کلاسهای تقویتی، افزون بر تعداد ساعتهای درس، آموزش دانش و مهارت خاص،

۱. دکتر مجتهدی از نزدیک با شاه آشنا بود و شاه نیز همواره از وی پشتیبانی و تعریف می‌کرد، لذا چنین استدلالهای غیر واقع بینانه نباید چندان غریب تلقی گردد. با این حال دکتر مجتهدی در خاطراتش شاه را آدم ضعیف النفس و دهن بین ارزیابی می‌کند (مجتهدی ۱۳۸۵).

ساعات مطالعات اجباری. اجرای برنامه‌های فوق برنامه. توجه به مهارت‌های دستی...

۱. مجهز کردن آزمایشگاه علمی و توجه به آموزش نظری و عملی

در اکثر این مدرسه‌ها، به عکس مدرسه‌های مرسوم و معمولی تلاش می‌شد که درس‌های نظری و عملی توأمان پیش روند، دست و اندیشه، هر دو پرورده می‌شدند. هر مدرسه به فراخور حال خود تلاش می‌کرد همه درس‌ها را به صورت جدی آموزش دهد و دانش‌آموزان به اقتضای دروس گوناگون، به ویژه علوم پایه، در آزمایشگاه یا کارگاه درس‌های نظری را بیازمایند. گفته‌اند آزمایشگاه دبیرستان البرز از آزمایشگاه‌های بسیاری از دانشگاه‌ها برتر بوده است (نقل از: آقای داریوش نوری^۱، معلم پیشکسوت دبیرستان البرز هنگام مصاحبه نگارنده با ایشان) یا در اسناد مدرسه علوی آمده است که مدرسه مجهز به آزمایشگاه بود و گاهی شادروان استاد روزبه، از مدیران و گردانندگان برجسته مدرسه علوی و بانیان آن، تا پاسی از شب در مدرسه می‌ماند تا آزمایشگاه را برای درس‌های فردای آن روز آماده کند (WWW.Allameh.ir).

۲. توجه به مهارت‌های دستی و عملی

افزون بر آزمایشگاه‌ها که مخصوص درس‌های علوم پایه بود، در اکثر این مدارس کارگاه‌هایی وجود داشت که دانش‌آموزان در آنها مهارت عملی می‌آموختند. برای نمونه در کارگاه مدرسه البرز دانش‌آموزان با تعمیر اتومبیل، یخچال و کولر، تعمیر رادیو و تلویزیون، سیم‌کشی برق، لوله‌کشی، نجاری، آهن‌گری و عکاسی آشنا می‌شدند (آدمیت ۱۳۵۴: ۲۲۹): همین‌گونه بود در مدرسه علوی. (همان منبع).

۱. آقای نوری قبول زحمت فرموده و نتیجه مطالعات و تجربه‌های خودشان را در مورد دبیرستان البرز در اختیار نگارنده گذاشتند. وظیفه خود می‌دانم از این بزرگواری و لطف ایشان تشکر و سپاسگزاری کنم.

۲. توجه به مطالعه

به رغم کم توجهی به مطالعه در مدارس مرسوم و معمول مدرسه‌های معاصر ایران، در این مدرسه‌ها به مطالعه مطالب خواندنی توجه می‌شد. کتابخانه‌های مجهز این مدارس و کوشش مربیان برای عادت‌دادن دانش‌آموزان به مطالعه از ویژگیهای ستودنی این مدرسه‌ها بوده است. کوششهای استاد میرهادی و همکاران ایشان در مدرسه فرهاد در علاقه‌مند ساختن کودکان و نوجوانان به کتابخوانی و برگزاری نمایشگاههای کتاب کودک، سرآغاز ایجاد تحول در زمینه کتاب کودک بود که نتیجه مثبت آن تشکیل شورای کتاب کودک (۱۳۴۱) و فرهنگنامه^۱ کودکان و نوجوانان (۱۳۵۸) است که همچنان به همت سیصد تن از یاران خردمند و کوشای ایشان تدوین و منتشر می‌شود.

۴. تربیت شخصیت‌های آزاده و متکی به نفس

افزون بر توجه به رفتارهای مشارکتی دانش‌آموزان، در اکثر این مدارس تلاش می‌شد شخصیت‌هایی تربیت شوند که بتوانند در محیط‌های اجتماعی مبتنی بر مهارت‌های زندگی با دیگران زندگی کنند و دارای شخصیت منسجم و طبیعی باشند. به‌عکس برخی از مدارس عادی که در آنها همواره، دانسته یا نادانسته، شخصیت کودکان و نوجوانان را با رفتارهای نامناسب خرد می‌کنند و گاهی افراد زبون و حقیر بار می‌آورند. ترساندنیهای بیجا، له کردن زیر چرخهای رقابتها و مقایسه‌ها از جمله این رفتارهاست. استاد غلامحسین شکوهی درباره اهمیت توجه به شخصیت کودکان معتقد است: "یک چیز باید هدف شما باشد و آن اینکه شخصیت کودک را نشکنید. اگر شکسته شد، دیگر چیزی ندارد که شما آن را تربیت کنید، درست همان چیزی که آقای علامه [کرباسچی] می‌گویند" (WWW.Allameh.ir).

۱. در حال حاضر ده جلد از این فرهنگنامه منتشر شده و در دسترس عموم است. دو جلد آن زیر چاپ و چهار جلد دیگر در مرحله آماده‌سازی است. (خانم توران میرهادی در پاسخ تلفنی به پرسش نگارنده در این زمینه).

۵. دانش و بینش علمی و تربیتی گردانندگان این مدرسه‌ها

مدیران و مربیان اکثر مدارس موفق دارای دانش و بینش علمی و تربیتی بوده‌اند. در حقیقت توفیق این مدارس مرهون همین دانشها و بینشهای بالای گردانندگان این مدرسه‌ها بوده است. شادروان علامه، مدیر مدرسه علوی، از دانش و بینش علمی و تربیتی و دینی وسیعی برخوردار بوده‌اند. به‌گونه‌ای که استاد غلامحسین شکوهی درباره فضل و دانش و بینش تربیتی‌ایشان گفته است: "اگر در خدمت آقای علامه بودم، بیشتر استفاده می‌کردم تا این که اروپا می‌رفتم" (WWW.allameh.ir).

افزون برایشان اکثر کسانی که مرحوم علامه را می‌شناختند یا با ایشان کار کرده بودند، همواره از رفتار اخلاقی و انسانی و وسعت دانش و بینش وی سخن گفته‌اند. دکتر محمود مهرمحمدی^۱ که هشت سال در مدرسه علوی درس خوانده است، درباره رفتار و بینش ایشان می‌گویند: که تمام رفتارهایش عین اندیشه و اعتقاداتش بود و میان گفتار و کردار ایشان تناقضی وجود نداشت. مؤدب به آداب و اخلاق اسلامی بود. بسیار منضبط و دقیق و هر آنچه را برای دانش‌آموزان توصیه می‌کرد، خود آن را عمل می‌کرد (مصاحبه نگارنده با ایشان درباره مدرسه علوی و عملکردهای آموزشی آن). همچنین بوده است استاد روزبه که ضمن داشتن دانش وسیع در زمینه علوم پایه، در دانشسرای عالی آن روزگار علوم تربیتی نیز تحصیل کرده بود و مانند مرحوم علامه رفتارشان عین اندیشه‌های دینی و علمی‌شان بوده و در فضل و دانش و کوشایی الگویی بوده‌اند برای دانش‌آموزان (برای آشنایی بیشتر با آثار و زمینه‌های فکری این استادان ر.ک: WWW.allameh.ir). همچنین بوده است دانش و بینش خانم میرهادی (متولد ۱۳۰۶ اش) که پیش از رفتن به فرانسه، در کلاسهای درس دکتر محمدباقر هوشیار و جبار باغچه‌بان به صورت

۱. آقای دکتر محمود مهرمحمدی قبول زحمت فرمودند و خاطرات و دانش و تجربیات خودشان را درباره مدرسه علوی در اختیار نگارنده گذاشتند. دید عالمانه و نقادانه ایشان برای نگارنده بسیار آموزنده بود. از ایشان بسیار سپاسگزارم.

مستمع آزاد شرکت می‌کردند، تا با دانش تربیت و آموزش کودکان آشنا شوند (۱۳۲۴ ش). در دانشگاه به تحصیل در رشته زیست‌شناسی پرداخت (۱۳۲۴) و این درس را تمام نکرده عازم فرانسه شد (۱۳۲۵) و در آنجا در رشته روانشناسی و آموزش و پرورش پیش از دبستان تحصیل کرد. آنجا نیز ضمن تحصیل، در عمل به آموزش و پژوهش پرداخت. پس از بازگشت از فرانسه به یاد برادر در گذشته‌اش کودکانستان فرهاد را تأسیس کرد (۱۳۳۴ ش). در این مدرسه بود که بسیاری از خواننده‌ها و آرزوهای تربیتی خود را به محک تجربه کشید و از آن روزگار تاکنون آثار بسیاری از این تجربه‌ها در جامعه ما منتشر شده و اثرات گرانبهایی بر جای گذاشته است. [ر.ک: "جستجو در راهها و روشهای تربیت (۱۲۷۶ ج ۳)"، کتاب کارمربی کودک: برنامه کار سالانه مربی در مهدکودک و کودکانستان (۱۳۵۹)، "کتابخانه آموزشگاهی و نقش آن در ایجاد عادت به مطالعه (۱۳۸۶)"، "توران میرهادی: استاد برجسته آموزش و پرورش در ایران" (۱۳۸۶) و آثار دیگری که در کتابهای مذکور از آنها سخن رفته است].

دکتر مجتهدی (۱۲۸۷-۱۲۷۶ هـ ش) مدیر دبیرستان البرز (۱۳۲۳ تا ۱۳۵۷ هـ ش) نیز دارای دانش و بینش علمی وسیع بودند. پس از دریافت دیپلم متوسطه از مدرسه شرف تهران (خرداد ۱۳۱۰ هـ ش) همراه یکصد دانش‌آموخته ایرانی راهی فرانسه شد (۱۳۱۰ ش / ۱۹۳۱ م). تحصیلات عالی را در دانشگاه لیل^۱ آغاز کرد. به سال ۱۳۱۴ ش / ۱۹۳۵ م، در رشته ریاضی لیسانس گرفت. در سال ۱۳۱۷ ش / ۱۹۳۸ م از دانشکده علوم پاریس دکتری گرفت که در آن قید شده بود "شایان افتخار" است. پس از برگشت به ایران (۱۳۱۷ ش / ۱۹۳۸ م) با سمت دانشیار ریاضی در دانشکده علوم و دانشسرای عالی استخدام شد. پس از آن در دیگر دانشگاهها و دانشکدهها به تدریس پرداخت. سرانجام مدیریت دبیرستان البرز را برعهده گرفت (۱۳۲۳ ش). با مدیریت اقتدارگرایانه و بینش علمی و علاقه به خدمت برای مملکت حدود سی و هفت سال به تربیت نوجوانان ایران پرداخت (مجتهدی ۱۳۸۵). به کمک استادان دانش‌آموخته در دبیرستان

البرز بود که دانشگاه صنعتی شریف (آریا مهر) را تأسیس کرد (۱۳۴۵ش) و یک سال بعد از ریاست آن دانشگاه برکنار شد. در ۲۴ بهمن ۱۳۴۶ رئیس دانشگاه ملی شد. چند ماه بعد به علت ناهماهنگی با هیئت امنای آن دانشگاه، از این سمت استعفا داد (همان منبع). این مختصر شرح حال نشان می‌دهد که مجتهدی علاقه فراوان به علم و بینش علمی داشت و کوشید این موضوع را در دبیرستان البرز پیش برد و موفق شد. [برای آگاهی بیشتر رک: خاطرات دکتر مجتهدی (۱۳۸۵) و سده‌نامه دبیرستان البرز (۱۳۵۴)].

مؤسسان و مدیران اغلب مدارس موفق دیگر نیز این ویژگیها را داشتند، مانند احمدبیرشک مؤسس مدرسه‌های هدف، دکتر خزائلی مؤسس مدرسه خزائلی و مؤسسان و دست‌اندرکاران مدارس خوارزمی، مرجان، هشترودی در تهران، مدرسه حکیم نظامی در قم، شاهرضا در مشهد، مدرسه گلپهار در اصفهان و دهها مدرسه دیگر در سراسر کشور (برای آگاهی بیشتر از مدارس موفق رجوع کنید به منابع و مآخذ این مقاله درباره تاریخ فرهنگ یا تاریخ آموزش و پرورش استانهای ایران).

بی‌گمان بینش و آگاهی تربیتی معلمان و مدیران این مدارس بود که آنان را از مدارس دیگر متمایز می‌ساخت و این ویژگی در نتیجه تجربه آموزشی و تلاش برای بهره‌گیری از محضر استادان بزرگ و کوشش برای عملی ساختن آنها بوده است. برای نمونه استاد روزبه که از معلمان و کوشندگان بنام مدرسه علوی بودند، افزون برداشتن دانش وسیع علمی، در کلاس درس تربیتی استاد محمداقر هوشیار شرکت کرده چیزها آموخته بود و در مدرسه علوی آموخته‌هایش را با بینش علمی و دینی که داشت در آمیخته به محک تجربه می‌کشید. (www.allameh.ir).

۶. بهره‌گیری از معلمان کوشا و علاقه‌مند تربیت

افزون بر ویژگیهای علمی و فرهنگی و اخلاقی مدیران و مؤسسان مدارس موفق، وجود معلمان برجسته و آگاه به امر تربیت بود که این مدارس را موفق ساخت. در اغلب این مدارس معلمانی تدریس می‌کردند که افزون بر داشتن آگاهیهای علمی و فنی علاقه‌مند به تدریس و تربیت بودند. در برخی از این مدارس

استادان دانشگاه هم تدریس می‌کردند (آدمیت، ۱۳۵۴) یا بسیاری از آنان مؤلف و مترجم کتابهای درسی و غیردرسی بودند. دانش و بینش معلمان علاقه‌مند موضوعی است که همه مدیران موفق به آن معترف بودند. در اغلب اسنادی که در این مقاله از آنها بهره گرفته‌ایم بر این موضوع تأکید شده و در برخی از آنها نام معلمان موفق و برجسته نیز آمده است. معلمانی که نه تنها در مدارس اثرگذار بوده‌اند، بلکه نوشته‌ها و سخنان و دیگر آثار علمی و فرهنگی آنان زینت بخش جامعه علمی و فرهنگی کشورمان بوده است. (برای آگاهی از نام و نشان برخی از این معلمان ر.ک به مآخذ این نوشته در پایان مقاله، به ویژه سده‌نامه دبیرستان البرز و تاریخ فرهنگ یا آموزش و پرورش استانها).

برخی از مدرسه‌های موفق از معلمان معمولی استفاده می‌کردند، اما در حین آموزش و تجربه در عمل، مثل دانش‌آموزان، معلمان را نیز پرورش می‌دادند. این شیوه در مدرسه فرهاد بسیار بارز بود. خانم میرهادی مدیر مدرسه فرهاد در مصاحبه با نگارنده با ایشان، به این موضوع اشاره کرد و بیان داشتند که ما حتی به اداره آموزش و پرورش می‌گفتیم که فارغ‌التحصیلان کم تجربه مراکز تربیت معلم را برای تدریس به مدرسه ما بفرستند. چرا که معتقد بودیم معلم در مدرسه و به تجربه و ضمن مشارکت در کارهای گوناگون مدرسه به معلم واقعی تبدیل می‌شود. همچنان که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند و یاد می‌دهند، معلمان نیز هم یاد می‌گیرند و هم یاد می‌دهند. اگر به معلمان احترام بگذاریم و به حرفهای آنان گوش فرا دهیم و با آنان گفت و گو کنیم، بی تردید آنان به معلمانی خوب تبدیل می‌شود. اگر فکر می‌کنیم که معلمان در مراکز تربیتی و دانشگاهی ساخته و آماده می‌شوند، این خیالی باطل است و تجربه بهترین معلم معلمان است. به هنگام و پس از تجربه کردن جمعی بود که ما به نتایج آموزشی می‌رسیدیم و اغلب این تجربه‌ها، با اندیشه‌های تربیتی سازنده و انسان ساز، همخوانی داشت (برای آگاهی بیشتر ر.ک: آثار خانم میرهادی در مآخذ این مقاله).

علاقه برخی از معلمان این مدارس به تربیت و آموزش بسیار ستودنی است. شادروان علامه کرباسچی نقل می‌کنند "مرحوم آقای روزبه [از معلمان و بانیان خردمند و با ایمان مدرسه علوی]

گاهی تا ساعت ۱۱، ۱۲ شب در مدرسه می‌ماند. تلسکوپ را می‌آورد در پشت بام بچه‌ها را نگه می‌داشت و با آنها کار می‌کرد. آقای خواجه پیری گفت: یک شب کیفم در مدرسه جامانده بود، رفتم آن را بردارم، در تاریکی از پله‌ها بالا رفتم، دیدم چراغ آزمایشگاه فیزیک روشن است. از پشت شیشه نگاه کردم، دیدم آقای روزبه روی موزاییکها دراز کشیده، رفتم داخل، سلام کردم و گفتم: شما چطور اینجا هستید؟ ایشان گفتند: فردا آزمایش داریم که تنظیم وسائش دو ساعت وقت می‌خواهد، به خودم گفتم: چرا وقت بچه‌ها را فردا بگیرم، امشب این کار را انجام می‌دهم. این غیر از این است که ایشان فوق لیسانس فیزیک و علوم تربیتی است ... اینها در کتابها نیست، باید از جای دیگر افاضه شود (زمینه‌های فکری و تاریخچه www.allameh.ir).

۷. فرا رفتن از چارچوب درسی مصوب و آیین‌نامه‌ها و دستورات

در اکثر این مدارس همان‌گونه که هدفهای تربیتی فراتر از هدفهای رسمی و بیان شده‌ی دستگاه رسمی تعلیم و تربیت بود، در زمینه مسائل تربیتی نیز می‌کوشیدند ضمن مراعات دستورهای رسمی، آنها را با بینش علمی و تجربه‌های آموزشی خاص خود، به نفع دانش‌آموزان تفسیر و عمل کنند. گرچه سامانه نظارتی دستگاه رسمی تعلیم و تربیت در اغلب موارد مانع پیشرفت آموزشی این مدارس می‌شد، ولی در اغلب موارد گردانندگان مدرسه می‌کوشیدند فراتر و بهتر از خواسته‌های دستگاه رسمی عمل کنند. مقایسه وضعیت آموزشی این مدرسه‌ها با مدرسه‌های معمولی به وضوح این تفاوتها را نشان می‌دهد. وقتی از این مدرسه‌ها دیدن می‌کنیم.

۸. مشارکتهای مالی و فکری

در همه این مدارس مشارکت مالی و فکری اهمیت زیاد دارد. مشارکت معلمان، دانش‌آموزان، والدین، خیرین، اهل محل، کسبه، اندیشه‌گران و فرهیختگان، روحانیون، مسؤولان مملکتی، ... همه با توجه به ویژگیهای هر مدرسه به نوعی مشارکت

مالی یا فکری داشتند. نحوه و نوع مشارکت طیفی وسیع را به خود اختصاص می‌داد. از مشارکت فکری و مالی دانش‌آموزان گرفته تا مشارکتهای صرفاً مالی خیرین و نیکوکاران. برای نمونه در مدرسه فرهاد همه امور به صورت مشارکتی بود. خانم میرهادی معتقد به مدیریت هرمی نیستند (مصاحبه نگارنده با ایشان) بر این باورند که در مدرسه همه یاد می‌گیرند و یاد می‌دهند و کلیه امور باید به صورت شورایی و مشارکتی انجام گیرد (میرهادی، ۱۳۸۶). مدرسه البرز از پول دانش‌آموزان و خیرین اداره می‌شد. اکثر تأسیسات آموزشی مثل کتابخانه، کارگاه، آزمایشگاه و سالنها و کلاسهای اضافی مورد نیاز با استفاده از کمکهای مردمی فراهم می‌شدند. ده درصد دانش‌آموزان به صورت رایگان تحصیل می‌کردند که هزینه آنان را هم خیرین تأمین می‌کردند. دکتر مجتهدی می‌گوید: همت والدین و دیگر خیرین و نیکوکاران به اندازه‌ای بود که من به وزارتخانه نوشتم که بودجه‌ای برای مدرسه البرز در نظر بگیرند. این در حالی بود که سالی ۵ تا ۶ هزار دانش‌آموز در آن مدرسه تحصیل می‌کردند. آقای حسین علی البرز که شیفته تربیت نسل جوان بود (آدمیت، ۱۳۵۴: ۲۴) به پاس فعالیتهای آموزشی دبیرستان البرز در زمان مجتهدی، که به نظر وی "شاید در نوع خود در ایران برتر از همه باشد" (همان منبع) تمامی اموال منقول و غیرمنقول خود را وقف بنیاد فرهنگی حسین علی البرز کرد تا به دانشجویان ایرانی در سراسر کشور کمک هزینه تحصیلی بدهند (آدمیت ۱۳۵۴: ۲۴۰). مدرسه علوی با کمکهای مالی و فکری نیروی انسانی مؤمن به ویژه بازاریان علاقه‌مند به دین و علم و تربیت تأسیس و اداره می‌شد.

۹. توجه به نیازهای واقعی دانش‌آموزان و انتظارات والدین و مقتضیات جامعه

توجه به مهارتهای زندگی و زیستن با دیگران، مراعات اخلاق و رفتارهای انسانی، توجه به نظم و انضباط و وقت شناسی و دقت در کارها، از دیگر ویژگیهای این مدرسه‌ها بوده است. امروز اکثر مدیران و گردانندگان این مدارس، به هنگام سخن گفتن از خاطرات و تجربه‌های خویش موارد فوق را تأیید کرده‌اند و آن را از جمله عملکردهای آموزشی و پرورشی خویش می‌دانند و

از تربیت یافتگانشان که امروز هر کدام در سمتها و مشاغل گوناگون مشغولاند ابراز رضایت می‌کنند. این وضع نشان از اثر بخش بودن آموزشها در این مدرسه‌ها دارد. یکی از معیارهای ارزشیابی نگارنده نیز از اثربخشی و موفقیت‌آمیز بودن مدرسی که از آنها یاد شد همین معیار است.

۱۰. توجه به تربیت جسم و ورزش و بهداشت

در اکثر این مدارس ورزش، تغذیه درست، توجه به بهداشت فردی، بهداشت محیط زیست همراه با سلامت روان مورد توجه گردانندگان مدارس بوده است. برخی از این مدرسه‌ها به سبب داشتن فضای وسیع و امکانات فراوان که هم به همت نیکوکاران فراهم شده بود، از امتیازهای خاص برخوردار بوده‌اند، مثل دبیرستان البرز. اگر هم در برخی از این مدرسه‌ها فضا به اندازه کافی نبود، دست‌اندرکاران می‌کوشیدند بهره‌گیری از طبیعت و اردوهای دانش‌آموزی این کاستی را رفع کنند، مثل مدرسه علوی. دکتر مهرمحمدی (ارتباط شخصی با نگارنده) از توجه علامه کرباسچیان به ورزش یاد کرده و اظهار داشته‌اند که مرحوم علامه خود همواره ورزش می‌کردند و به تربیت جسم و تغذیه به اندازه توجه به سلامت روح و روان توجه می‌کردند. این موضوعی است که دیگران نیز بر آن تاکید داشته‌اند (allameh.ir).

۱۱. نظام‌نامه‌ها یا آیین‌نامه‌های مدارس

از دیرباز اغلب مدارس موفق، به منظور مشخص کردن چگونگی اجرای برنامه‌های آموزشی، نظام‌نامه‌هایی تدوین می‌کردند. در این نظام‌نامه‌ها اکثر رفتارهای آموزشی لازم در مدرسه، مثل رفتارهای دانش‌آموزان و خدمتگزاران و مدیر و معلمان و اولیاء و بایدها و نبایدهای آموزشی، شیوه آموزشی، ارزشیابی، توجه به انضباط و غیره در آنها ثبت شده که در عمل اجرا می‌شده‌اند. تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد نخستین نظام‌نامه را میرزا حسن رشديه (۱۲۲۹ تا ۱۳۲۲ ش) برای مدرسه خود تدوین کرد. دستنوشته بخشی از این نظام‌نامه را نوه رشديه به نگارنده ارائه دادند که حاوی نکات جالبی است. پاره‌ای مطالب نظام‌نامه در

مقاله‌ای با عنوان «اندیشه‌های تربیتی و اعتقادی رشديه» در کتاب «زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد گرانمایه دکتر غلامحسین شکوهی» آمده است (قاسمی‌پویا، ۱۳۸۵). اینجا به مواردی چند از نظام‌نامه اشاره می‌کنیم:

مدیر مدرسه باید شهریه را محض استقلال اساس تعلیم و تربیت اخذ نماید، زیرا که مطالبه اجرت برای تعلیم حرام است.

مدیر مدرسه فقر و نداری اولیای متعلمین را وسیله ضیاع [ضایع کردن] استعداد آنها قرار ندهد.

مدیر مدرسه قبل از هر تعلیم، تفهیم نظام‌نامه به اطفال را فرض شمارد تا متعلم نفعی از مدرسه ببرد.

مدیر مدرسه قبل از موقع اجرای سیاست [تنبیه]، تا مقصر اذعان به تقصیرش نکرده است، حکم اجرا ندهد.

مدیر مدرسه اگر جانب روحانیت را چندان مرعی دارد که جانب جسمانیت، مسئول عندالله خواهد شد.

مدیر مدرسه اگر نتواند از حالات دروس عموم متعلمین مستحضر شود، مدرسه را تعطیل نماید که وبالش تخفیف یابد.

مدیر مدرسه [باید] هفته‌ای یک مرتبه مجلس خصوصی به حضور معلمین نموده دفاتر نمرات اطفال را ملاحظه نماید.

در مورد معلمان هم آورده است:

معلمان باید شاگردان را در سر کلاس چنان مجذوب کنند، اگر توافقی خارج از کلاس افتاد موجب تفرقة خیال شاگردان نشود...

معلم نباید اجازه دهد کسی به خلاف قانون وارد کلاس شود و موجب حواس‌پرتی شاگرد شود.

معلمان باید شاگردان را همانند هنرپیشگان تئاتر باربیاورند که می‌توانند برخنده و گریه خود فوراً تسلط یابند و حتی در مجالس

عمومی و پیش دیگران بتوانند نمایشهای علمی بدهند. معلمان مدارس به منظور تفریح و شادابی شاگردان بهتر است کودکان را

تشویق کنند تا نمایشهایی چون موش و گربه عبید زاکانی را که محتوای اجتماعی و سیاسی قوی دارد به معرض نمایش گذارد.

در تکالیف ناظم مدرسه ۸۹ بند آورده است که به ارائه چند بند آن بسنده می‌کنیم:

ناظم مدرسه باید بیش از هر عضو دیگر مدرسه، نظم را روح بقای مدرسه بداند. نظام‌نامه مربوط به وظایف خود را قبلاً بنویسد

و به امضای مدیر برساند. در جایی بنشیند که بتواند از تمام مراجعان پذیرایی کند. ناظم مدرسه باید به نمرات قبل از ظهر شاگردان رسیدگی کند، تا در صورت پایین بودن نمره شاگردی، وی را اجازه رفتن به ناهار ندهد تا رفع اشکال کند. ناظم مدرسه باید مراقب حفظ نظافت مسجد همجوار مدرسه باشد. وی افزون بر وظایف مدیر و ناظم، معلمان، وظایف شاگردان، مشتاق مدرسه، فراش مدرسه، نحوه مراعات بهداشت مدرسه و وظایف دفترداران و غیره را هم مشخص کرده است (قاسمی‌پویا ۱۳۸۵: ۸۳، ۹۵). از آن زمان بعد در بسیاری از مدارس موفق، نظام‌نامه‌هایی تدوین شد که مطالعه آنها می‌تواند پژوهشگران و دست‌اندرکاران تربیتی را به کار آید.

۱۲. دوری از سیاستها و سیاست‌بازی

اغلب مدیران مدارس موفق، عضو هیچ گروه و دسته سیاسی نبوده‌اند و تلاش می‌کردند که دانش‌آموزان را هم از سیاست دور نگه دارند. دکتر مجتهدی گرچه گاهی با شخص شاه در تماس بوده، اما خود گفته است که اهل هیچ گروه و فرقه سیاسی نبوده است. حتی کسانی را که با تکیه زدن به گروه خاص یا حتی ساواک می‌خواستند خود را به مقامات بالاتر برسانند سرزنش می‌کند. درباره داستان برکنار کردنش از ریاست دانشگاه آریامهر و انتصاب پروفیسور رضا به جایش می‌گوید: ایشان اسمش را گذاشت پروفیسور رضا و آمد دانشگاه آریامهر. حالا ایشان را کی آورد؟ من نمی‌دانم. شاهي که يك ماه پیش، آن سخنرانی عجیب را کرد و مرا برد به آسمان هفتم، به جای من این رضا را انتخاب کرد؟ نمی‌دانم. آیا همان آمریکایی‌هایی که آمدند [برای بازدید دانشگاه] دستور دادند و اوامر آمریکایی را اعلیحضرت انجام می‌داد؟ شاه ضعیف‌النفیس بود. ولی وطن پرست بود. ملاحظه می‌فرمایید؟ چون من در آن موقع که شاه را می‌شناختم خیلی ضعیف‌النفیس بود. از این جهت که خودش تحصیلاتی نداشت، بیشتر وارد نبود در امور ولی اطرافیانش زیر بغلش هندوانه می‌گذاشتند، تصور می‌کرد در همه چیز وارد است ... دهن‌بینی او یقین بود... هر کسی دیر می‌رفت عقیده او اجرا می‌شد و خودش را هم تو بغل آمریکاییها انداخته بود. دستور آمریکاییها را

چشم بسته اجرا می‌کرد همان اصلاحات ارضی که بزرگترین ضربه را به کشاورزی مملکت وارد کرد (مجتهدی ۱۳۸۵: ۱۴۰-۱۴۱). در همین منبع به صراحت اعلام می‌کند که اهل هیچ گروه سیاسی نبوده است و نمی‌گذاشت دانش‌آموزان یا معلمان نیز به گروهی وابسته شوند. حتی در روزگار بحرانی سالهای ۱۳۳۲ هـ ش، آن زمان که نیروی انتظامی می‌خواست وارد مدرسه شود یا دانش‌آموزی را دستگیر کند، از این کار ممانعت می‌کرد (همان منبع ص ۱۷۸ و ۱۷۹).

مرحوم علامه نیز تلاش می‌کرد دانش‌آموزان و معلمان را از پیوستن به گروههای سیاسی یا اقدام به فعالیتهای سیاسی دور نگه دارد و به شدت با آن مخالفت می‌کرد. دکتر مهرمحمدی ضمن تأیید این موضوع به اهداف ناپیدا یا برنامه درسی پنهان اشاره می‌کند و می‌گوید: « با این حال، از همان مدرسه کسانی برخاستند که به هنگام بزرگترین انقلاب عصر، یعنی انقلاب اسلامی و پس از آن، در بالاترین رده‌های مملکتی و فعالان سیاسی جای گرفتند. در تحلیل این موضوع به نقل از جان دیویی می‌گوید که وی معتقد است: مرییان و سیاستمداران فکر می‌کنند کودکان و نوجوانان آن گونه تربیت می‌شوند که آنها می‌خواهند. در صورتی که همیشه این گونه نیست. مهر محمدی معتقد است که مرحوم علامه با منهیات سیاسی خود کادرسازی کرد، برای بزرگترین انقلاب سیاسی! در حقیقت کار مرحوم علامه دارای بالاترین برآیند سیاسی بود که با اندیشه‌های علوی به هیچ وجه همخوانی نداشت. (مصاحبه نگارنده با ایشان). این وضع کم و بیش در دبیرستان البرز نیز اتفاق افتاد. کسانی هم از مدرسه البرز فارغ‌التحصیل شدند که به هنگام انقلاب اسلامی و پس از آن در رده‌های بالای سیاسی و فرهنگی قرار گرفتند. (برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به فهرست فارغ‌التحصیلان دبیرستان البرز" در سده نامه دبیرستان البرز"). با این حال می‌توان گفت یکی از آموزه‌های مدارس موفق این است که باید مدارس را از نفوذ گروههای سیاسی دور نگه داشت. گرچه ممکن است دانش‌آموختگان شخصاً به گروههایی گرایش پیدا کنند. باید تلاش کرد تا مدرسه جولانگاه مبارزات سیاسی نشود.

۱۲. توجه یکسان به همه درسها

در اکثر این مدرسه‌ها به همهٔ درسها یکسان توجه می‌شد. درسی فدای درس دیگر نمی‌شد. هنر، ورزش، علوم پایه، تاریخ و جغرافی، زبان فارسی، زبان انگلیسی... به یکسان مورد توجه بود (روشنمند بودن... حداد عادل، allameh.ir). این موضوع از آن سبب مهم است که متأسفانه در بسیاری از مدارس مرسوم، برخی از درسها فدای درسهای دیگر می‌شود. مثلاً ورزش یا هنر و خوشنویسی و درس انشا فدای درس علوم پایه می‌شود. به ویژه اگر در این مدارس قبول شدن در کنکور هدف اصلی معلمان و مدیران باشد! در این صورت اثری از مطالعهٔ فردی و کتابهای غیردرسی به چشم نمی‌خورد. "تست زنی" جای خردمندی را می‌گیرد. مهارت زندگی و آموختن و تمرین عملی آنها به فراموشی سپرده می‌شود. مدارس موفق تلاش می‌کردند، دور از این شیوه‌ها باشند. در مدرسهٔ علوی حتماً به خوشنویسی هم توجه خاص می‌شد. آقای حداد عادل معتقد است که اکثر دانش‌آموختگان مدرسهٔ علوی خوش خط بودند. (همان منبع).

ویژگیهای خاص مدرسه‌های موفق

مدرسه‌های موفق ضمن داشتن وجوه مشترک دارای وجوه غیرمشترک و خاص خود نیز هستند. این وجوه غیرمشترک و خاص مدرسه‌های موفق را از هم دیگر متمایز می‌کند، می‌کوشیم به برخی از این ویژگیها در چند مدرسه بپردازیم:

۱. مدرسه‌ی علوی و ویژگیهای خاص آن

به قول دکتر مهرمحمدی در این مدرسه مرحوم علامه کاری کرد کارستان (مصاحبهٔ نگارنده) و آن پیوند دادن علم و دین بود. گرچه در مدارس دیگر نیز به درس شرعیات و تعلیمات دینی توجه می‌شد اما در مدرسهٔ علوی همسنگ با علوم پایه، شاید هم بیشتر نسبت به دین و مناسک آن توجه می‌شد. مرحوم علامه کرباسچیان و استاد روزبه بنا را بر آن گذاشتند تا افرادی تربیت کنند که ضمن دارا بودن دانش علمی، اعتقادات و عمل دینی قوی هم داشته باشند. از این رو، کسانی از خانواده‌ها و دانش‌آموزان به آن مدرسه روی آوردند که به دنبال این هدف خاص

بودند. علامه کرباسچیان معتقد بود، تربیت دکتر مهندسانی که از نظر دینی کاستی و کاهلی در آن باشد به درد جامعه نمی‌خورد. وی از وضعیت آموزش دینی مدارس به شدت انتقاد کرد و بر آن شد تا به یاری افراد متدین فرهنگی و بازاریان به تربیت افراد متدین و عالم اقدام کنند. در مدرسه علوی این تفکر تبلیغ می‌شد که دنیا دوستی و گرایش صرف به عالم و فنون بدون توجه به عالم معنوی امری است بیهوده. تلاش می‌شد، ساده زیستی و مراعات اخلاق انسانی و دینی به صورت عملی و نظری در مدرسه آموزش داده شود. از ویژگیهای این مدرسه این بود که خود مدیر مدرسه در رفتار و گفتار و کردار به صورت منسجم و هماهنگ عمل می‌کرد. سخن و اندیشه او با عمل روزانه‌اش تفاوتی نداشت. این از ویژگیهای خاص علامه کرباسچیان و بسیاری از همکاران ایشان بود. این ویژگی از آن نظر خاص است که هستند بسیاری از افراد که تظاهر به دینداری می‌کنند اما میان عمل اجتماعی و روزمره آنان فاصله و شکافی عمیق وجود دارد. علامه تربیت را امر به معروف و نهی از منکر می‌دانست (allameh.ir مقدمه).

توجه به دانش و علوم تربیتی همراه با توجه به اخلاق اسلامی و آموزه‌های دین اسلام از ویژگیهای خاص این مدرسه بود (روشمند بودن نظام آموزشی و تربیتی علوی حداد عادل، alameh.ir).

"مدرسه علوی در کنار آقای روزبه، به برکت آقای علامه از محاسن و فواید روشهای حوزه‌های علمیه هم بهره‌مند بود. مدیریت این دو باعث شد تا شعار وحدت حوزه و دانشگاه عملاً در مدرسه علوی محقق شود (حداد عادل، همان منبع).

در مدرسه علوی درسها را با هم توأم می‌کردند. مثلاً اگر دینی درس می‌دادند عربی را توأم با قرآن و قرآن را توأم با عربی درس می‌دادند. بسیاری از معارف اسلامی را هم در ضمن تدریس قرآن و عربی درس می‌دادند و این آمیختگی بسیار مؤثر بود (همان منبع).

در این مدارس به مباحثه و مطالعه بعد از تعطیل شدن کلاسها نیز توجه می‌شد.

۲. ویژگی خاص دبیرستان البرز

مدیریت اقتدارگرا از ویژگیهای دبیرستان البرز بود همه تصمیمها را در درجه نخست دکتر مجتهدی اتخاذ می‌کرد و با معلمان در میان می‌گذاشت و آن را عملی می‌کرد. اگر مشارکتی بود در مورد تصمیمهای دکتر مجتهدی بود. یعنی همیشه آغازگرایشان بودند.

کلاسهای درس در هر دوره براساس استعداد دانش‌آموزان رده‌بندی می‌شدند. گاهی در یک دوره تحصیلی، مثلاً کلاس اول دبیرستان، ده رده دانش‌آموز بود که براساس استعداد و تواناییهای تحصیلی رده‌بندی شده بودند.

سؤالات امتحانی را اغلب برخی از معلمان طراحی می‌کردند و معلمان برای کلاسهای خود به ویژه در امتحان نهایی سؤال امتحانی طرح نمی‌کردند. ورقه‌ها هم بدون اسم و دارای سه برگ بودند.

ثبت نام در این دبیرستان بر مبنای معدل داوطلبان تا حد گنجایش مدرسه بود. گاهی والدین شب را جلو در مدرسه می‌خوابیدند تا نوبت ثبت نام بگیرند.

مدرسه به روش هیئت امنایی و با پول دانش‌آموزان و خیرین اداره می‌شد. دکتر مجتهدی در سال ۱۳۳۰ هـ ش به وزارت آموزش و پرورش نوشتند که بودجه‌ای برای دبیرستان البرز در نظر بگیرند و سهم این دبیرستان را به مدارس نیازمند کمک کنند.

در کلاس پایین دبیرستان معلمان زن هم تدریس می‌کردند. توجیه و تحلیل این کار این بود که چون دانش‌آموزان دوره‌های دبستان و پیش از دبیرستان اغلب معلمان زن داشته‌اند، شاید ورود ناگهانی آنان به محیط بزرگ مردانه در روحیه و عواطفشان خللی وارد کند. این کار را عملی کردند و موفق هم شدند (آدمیت، ۱۳۵۴: ۱۳۰).

اگر معلمان هم کار خلاف مقررات و وظایف خود انجام می‌دادند به نحوی تنبیه می‌شدند. معلمان و شاگردان پیوسته ارزیابی می‌شدند.

محیط آموزشی مدرسه البرز بسیار گسترده بود و عده زیادی دانش‌آموز و معلم داشت. در سال ۱۳۵۷ عده دانش‌آموزان این دبیرستان ۵۵۶۰ تن و معلمان آن ۲۴۵ تن بودند که حق التدریس می‌گرفتند.

هر پانزده روز یکبار جلسات سخنرانی برای دانش‌آموزان برگزار می‌شد و از بیرون مدرسه سخنرانی می‌آوردند. در این مدرسه برای کسانی که تصمیم به ادامه تحصیل در خارج از کشور داشتند، زبان فرانسه و انگلیسی تدریس می‌شد.

۲. ویژگیهای مدرسه فرهاد

در مدرسه فرهاد هدف، تربیت "انسانهای آزاده" و انسانهایی بود که «اسیر نشوند»، متکی به خرد و اندیشه و دانش خود باشند و پله پله از نردبان انسانیت بالا بروند (میرهادی ۱۳۸۶: ۲۲).

دوری از رقابتهای مرسوم در مدارس و تلاش برای توفیق در مسابقات بین‌المللی و کنکورهای گوناگون. مدرسه فرهاد رقابتهای معمول و مرسوم را عامل تخریب کننده شخصیت کودکان و نوجوانان می‌دانست.

مشارکتی عمل کردن در کلیه امور مدرسه و مشارکتی بارآوردن کودکان و نوجوانان و کارکنان مدرسه، همه امور در این مدرسه به صورت شورایی و با شرکت تمام عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت صورت می‌گرفت.

از نظر کارکنان و مدیر مدرسه ارزشیابی دائم از طریق نمره و تضمین جایزه برای هر کار به بند کشیدن نسل جوان تلقی می‌شد.

مخالف بودن با نخبه‌پروری و انجام دادن آزمونها و تستهای گوناگون در مدارس و مؤسسات و مخالف بودن با مفهوم استعدادهای درخشان و تربیت جداگانه دانش‌آموزان.

به وجود آوردن نظام قانونی ویژه مدرسه. در مدرسه فرهاد که مدرسه خودگردان بود با مشارکت کارکنان و شاگردان قوانینی مدون می‌شد و به والدین فرستاده می‌شد تا آن را بررسی و اظهارنظر کنند. آنان نیز قوانین را می‌پذیرفتند و پس از آن این قوانین برای همگان در مدرسه واجب‌الاجرا می‌شد. دانش‌آموزان هر کلاس در هر ماه نماینده ثابت کلاس خود را انتخاب می‌کردند. این نمایندگان قوانین، مدرسه را تنظیم می‌کردند: درباره بهداشت، روشهای آموزش و رفتارهای دانش‌آموزان قوانینی را به

وجود می‌آورند و مدرسه براساس آن اداره می‌شد (میرهادی، ۱۳۸۶: ۲۳).

اداره مدرسه به عهده نمایندگان دانش‌آموزان بود. دانش‌آموزان کلاس، کار نمایندگان خود را زیر نظر داشتند، هم تذکر می‌دادند و هم تذکر می‌شنیدند. بدین ترتیب دانش‌آموزان در مدرسه و به صورت عملی با نظام مردم‌سالار آشنا می‌شدند و براساس آن رفتار می‌کردند.

همکاری و همیاری از خصیصه‌های دانش‌آموزان مدرسه فرهاد بود. دانش‌آموزان قوی به دانش‌آموزان ضعیف کمک می‌کردند اما نه براساس رقابت و رفتارهای غیرانسانی، دانش‌آموزان قوی و ضعیف در یک گروه بودند.

ارزشیابی برای سنجش میزان درک. معلمان هر ماه پیشرفت دانش‌آموزان در دروس از طریق پرسش ارزشیابی می‌کردند، نه برای نمره دادن، بلکه برای سنجش میزان درک و تسلط دانش‌آموزان به مطلب کار شده و برنامه‌ریزی کارها، درسها و تمرینها برای ماه بعد. (همان منبع، ص ۲۶).

تأسیس کتابخانه‌های آموزشی و توسعه کتابخوانی. از ویژگیهای خاص مدرسه فرهاد برگزاری نمایشگاههای کتاب کودک در مدرسه فرهاد و مدارس دیگر بود. آغازگر این کار تربیتی پسندیده و ستودنی، کارکنان مدرسه فرهاد به رهبری خانم میرهادی و همسرشان شادروان مهندس محسن خمارلو بودند. این اقدام بعداً به تأسیس شورای کتاب کودک (۱۳۴۱) و پس از آن به تدوین «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» انجامید.

مدرسه فرهاد و انتقال تجربه‌های آموزشی به وزارت آموزش و پرورش. خانم میرهادی مدرسه فرهاد را مدرسه تجربی می‌داند که یافته‌ها و تجربه‌های آموزشی خود را در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌دادند. این کار را از طریق گزارش به صورت مقاله، شرکت در کلاسهای تربیت مربی و جلسههای برنامه‌ریزی انجام می‌دادند (میرهادی، ۱۳۸۶: ۲۲).

نوشتن کتابهای درسی به کمک دانش‌آموزان و معلمان از دیگر کارهای این مدرسه بود (همان منبع).

داشتن روابط نزدیک با وزارت آموزش و پرورش و دیگر مؤسسات آموزشی. به دلیل آشنایی خانم میرهادی با بسیاری از مقامها و

مدیران ارشد وزارت آموزش و پرورش، فرزندان بسیاری از مسئولان در مدرسه فرهاد تحصیل می‌کردند و این افراد با برنامه‌های آموزشی مدرسه فرهاد آشنا بودند. این موضوع گاهی سبب می‌شد که دست‌اندرکاران پیشنهادها و نظرات برآمده از تجربه‌های مدرسه فرهاد را بپذیرند.

گزینشی عمل نکردن. به خلاف مدارس موفق دیگر، مثل دبیرستان البرز یا مدرسه علوی مدرسه فرهاد دانش‌آموزان را به صورت گزینشی نمی‌پذیرفت. یعنی برای ثبت نام در این مدرسه نه امتحان ورودی به عمل می‌آمد و نه با والدین آنان برای ثبت نام کردن یا نکردن مصاحبه می‌شد. بلکه طبق مقررات وزارت آموزش و پرورش و منطقه آموزش و پرورش دانش‌آموزان را ثبت نام می‌کردند. همچنان که گفته شد بسیاری از مسئولان آموزش و پرورش و آشنا به روش آموزش در مدرسه فرهاد علاقه‌مند بودند فرزندانشان را در این مدرسه ثبت نام کنند، اما این کار به صورت گزینشی و براساس معیارهای از پیش آماده شده نبود. مثل البرز که از معدل ۲۰ شروع به ثبت نام می‌کردند یا مدرسه علوی که دانش‌آموزان خاصی را گزینش می‌کردند و مبنای آن اعتقادات اسلامی بود.

ارتباط مستمر و مداوم با دانش‌آموختگان. یکی از ویژگیهای خاص مدرسه فرهاد، ارتباط مستمر دانش‌آموختگان این مدرسه بوده است. خانم میرهادی در مصاحبه نگارنده با ایشان اظهار داشتند: «ما ارتباطمان را با بچه‌ها قطع نمی‌کردیم. هنوز بسیاری از آنان با ما در تماس هستند. حتی آنهایی که متأسفانه به خارج از کشور رفته‌اند و هرکدامشان مصدر کاریند، هنگامی که به ایران می‌آیند با ما تماس می‌گیرند و معمولاً دیدارهای جالبی هم داریم. هنوز از همدیگر می‌آموزیم. بچه‌ها با من راحت حرف می‌زنند. افزون بر ارتباط حضوری، بچه‌های مدرسه فرهاد سایتی دارند که هم ما با آنان تماس می‌گیریم و هم آنان با همدیگر در ارتباط هستند.

رساندن پیامهای آموزشی به مدارس دیگر. از خانم میرهادی پرسیدم شما دانش‌آموزان را تا آخر دوره راهنمایی تربیت می‌کردید. آنان مجبور بودند، بقیه سالهای تحصیل را در مدارس دیگر بگذرانند، آیا آموزه‌های شما با آن مدارس تناقض پیدا

نمی‌کرد؟ مثلاً شما مشارکتی عمل می‌کردید، رفتار دموکراتیک داشتید، انتقاد می‌کردید، انتقاد می‌شنیدید، جایزه و نمره به معنای مرسوم در مدرسه شما معنی نداشت. رقابت جایش را به رفاقت و همکاری داده بود. این رفتارها در مدارس عادی ما چندان جایگاهی نداشته است. بچه‌ها چه واکنشی در آن مدارس از خود نشان می‌دادند؟ در پاسخ گفتند هر پنجشنبه بچه‌ها می‌آمدند مدرسه فرهاد و با معلمان به صحبت می‌نشستند و فکر مدرسه فرهاد را می‌بردند دبیرستانها! برخی از مدیران دبیرستانها اصرار داشتند بچه‌ها را به مدرسه آنها بفرستیم، چون این بچه‌ها هم یار و یاور آنان می‌شدند و هم در دانش‌آموزان آنان اثر می‌گذاشتند.

دانش‌آموختگان فرهاد خود باید معرف خویش باشند. پرسیدم: هیچ زندگی دانش‌آموختگان مدرسه خود را تعقیب کرده‌اید؟ وضع زندگیشان چگونه است؟ پاسخ دادند: اکثر این بچه‌ها از زندگیشان راضی هستند و به درجات بالا رسیده‌اند.

باز می‌پرسم چرا فهرست دانش‌آموختگان مدرسه فرهاد را همراه وضع شغلی و تحصیلی فعلیشان منتشر نمی‌کنید؟ آیا هیچ به این فکر افتاده‌اید؟ برخی از مدارس این کار را کرده‌اند. می‌فرمایند: من هیچ وقت نه به فکر این کار افتاده‌ام و نه این کار را می‌کنم! من که نمی‌خواهم خدای نکرده برای خودم تبلیغ کنم! خود بچه‌ها باید خودشان را در جامعه معرفی کنند و اگر کسی خواست باید برود تحقیق کند و تعقیب کند و هر نتیجه که می‌خواهد از آن بگیرد. من این کار را نمی‌کنم. ولی خود بچه‌ها سایتی دارند از آن طریق با هم در ارتباط هستند. شما هم می‌توانید به آن سایت مراجعه کنید!

تعمیم‌پذیری مدرسه فرهاد و تجربی بودن آن. در این بررسی نگارنده در پی یافتن پاسخ به این پرسش هم بودم که آیا تجربه‌های مدرسه‌هایی که از آنها به عنوان مدارس موفق یاد می‌کنیم، تعمیم‌پذیر به مدارس دیگر هست؟ آیا مدارس عادی هم می‌توانند تجربه‌های آنها را به اجرا بگذارند و آن راهی را بروند که این مدرسه‌ها رفته‌اند؟ در این زمینه خانم میرهادی گفتند: آری مدرسه ما قابل تعمیم به مدارس دیگر هست و تلاش ما هم از آغاز این بوده است که تجربه‌های خاص نباشد (با این حال

نگارنده معتقد است که مدرسه فرهاد، مدرسه‌ای بوده است خاص که تلاش می‌کرد تجربه‌های آموزشی آن قابل تعمیم برای مدارس دیگر بشود).

در مورد تعمیم‌پذیر بودن تجربه‌های این مدرسه خانم میرهادی گفتند: مدرسه فرهاد در اصل مدرسه تجربی وزارت آموزش و پرورش بود. برخی از کتابهای درسی پس از تجربه شدن در این مدرسه مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گرفت. من کتابی را که آقای دکتر بهشتی برای درس دینی نوشته بودند، خواندم و در کلاس به صورت تجربی آموزش دادم، سپس کاستیهایش را به ایشان یادآور شدم. درس دینی مدرسه فرهاد را آقای دکتر باهنر تدریس می‌کردند (مصاحبه با نگارنده).

گفتنی است خانم میرهادی در برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی مشارکت فعال داشتند (۱۳۳۸) و در به وجود آوردن مجموعه مدارس تجربی وابسته به سازمان پژوهش و نوسازی آموزش و پرورش مشارکت داشتند (۱۳۵۵). همچنین بود برگزاری نمایشگاههای کتاب کودک در مدارس و مدارس عالی کشور (میرهادی، ۱۳۸۶؛ میرهادی ۱۳۸۳).

در پاسخ به این پرسش نگارنده که چرا تجربه‌های موفق شما تعمیم نیافت و گسترش پیدا نکرد؟ ایشان به چند دلیل اشاره داشتند: یکی اینکه در آن روزگار اغلب فکرهای تربیتی نظر به خارج از کشور داشتند، و اغلب اندیشه‌گران تربیتی نگاهشان به غرب بود. همان‌گونه که صمد بهرنگی در کتاب "کند و کاو در مسائل تربیتی" از آن انتقاد کرد. به تجربه‌های داخلی کمتر عنایت می‌شد. در همین مصاحبه نگارنده برای نخستین بار از زبان ایشان شنیدم که فکر تربیتی و روان‌شناسی رشد پیازه اسارت بار است! انسانها را در یک محدوده تنگ دوره رشد اسیر می‌کند. دیگر اینکه ما انسانها را مثل سگ پاولف تلقی نمی‌کنیم! و سخنانی از این نوع. استاد میرهادی بیشتر عارفانه به موضوع می‌نگرند و به تجربه‌های اندیشه‌گران ایرانی- اسلامی در فلسفه تربیتی بیشتر گرایش دارند [داوری نگارنده!]. می‌گویند فلسفه تربیتی منسجم ما به هفتصد، هشتصد سال پیش برمی‌گردد اگر شما قصد فلسفه عرفا را در نظر بگیرید، آن وقت فکر انسان و انسانیت را در می‌یابید. ایشان خواجه عبدالله انصاری را مثال

می‌آورند. می‌گویند بعد از انقلاب اسلامی هم گرچه برای نخستین بار در تاریخ ما مردم فرصت تصمیم‌گیری پیدا کردند، ولی مدیریت هرمی و تغییرهای گوناگون و ناگهانی امکان تجربه کردن را از معلمان و مدیران گرفته است. در شرایط فعلی ابتکار عمل معلم و مدیر بسیار سخت است. دستوری کار کردن خلاقیت و نوآوری را از افراد می‌گیرد. وی در جای دیگر (میرهادی ۱۳۸۶) از اژدهای اداری و بوروکراتیک سخن می‌گوید و بسیاری از کاستیهای آموزشی و اجرا نشدن تجربه‌های موفق را نتیجه آن می‌دانند.

استخدام معلمان معمولی و تربیت آنان. مدرسه فرهاد شاید تنها مدرسه‌ای بود که گردانندگان آن معتقد بودند، معلم در مدرسه معلم می‌شود! در سطرهای پیش به این موضوع اشاره کردیم، اینجا یادآور می‌شویم که خانم میرهادی معتقد است: همه می‌توانند معلم بشوند فقط باید به افراد احترام گذاشت، اجازه داد تجربه کنند، با دیگر معلمان به مشورت و شور بنشینند، تا بشوند معلم. آموزش ضمن خدمت هم یعنی بگو، استقلال کن، اجرا کن، ارزیابی کن بیا در میان دیگر معلمان مدرسه مطرح کن، بشنو عمل کن، تا معلم شوی! به نظر خانم میرهادی سیستم شورایی معلمان را پخته می‌کند و مدرسه، فرهاد این‌گونه بود(مصاحبه با نگارنده).

اقدامها و تجربه‌های موفق برخی از مدارس شهرستانها

آنچه تاکنون به منزله تجربه‌های موفق از آنها یاد کردیم، اغلب متعلق به برخی از مدارس تهران بود. در شهرستانها نیز برخی از مدارس به توفیقهایی دست یافته‌اند که ستودنی است. گرچه به دلیل محدودیت مقاله آوردن همه آن تجربه‌های آموزشی کاری دشوار است ولی نمونه‌هایی از آنها می‌تواند آموزنده باشد:

شیوه ارزشیابی در مدرسه باقریه اصفهان (تأسیس ۱۳۱۸ق/۱۳۷۹ش): در برخی از مدارس، حتی در دوره قاجار، ارزشیابی از دانش‌آموزان به صورت مستمر صورت می‌گرفت و چگونگی آن در نظام‌نامه‌ها یا آیین‌نامه‌های آموزشی درج می‌شد. برای نمونه در نظام نامه مدرسه باقریه اصفهان (۱۳۷۹ش) آمده

است: این مدرسه را چهار امتحان است. یکی هفته وار [اصطلاح هفته وار نیز جالب است!] که معلمین دارند. دیگر ماه وار که ناظم می نماید. یکی هر شش ماه که ریاست کل می فرمایند. چهارم هر سالی یک مرتبه است که حضور علمای اعلام و اولیای اطفال و غیره به موجب رقعجات [نامه ها] دعوت می شود و صلاحیت و جوایز از طرف ریاست کل به هر یک از شاگردان که ترقی نموده داده می شود (معتمدی، ۱۳۸۶: ۵۲).

آموزش رایگان در مشهد. در مدارس مشهد گاهی مدیران و معلمان به خانه های شاگردان می رفتند و به آنان به صورت خصوصی و رایگان درس می دادند. برخی از مدیران ساعت ده صبح به بچه ها نان و پنیر مجانی می دادند (دوره رضا شاه) (آقا ملایی، ۱۳۸۴: ۱۴۹-۱۴۸)

تألیف کتاب و تأسیس چاپخانه. یکی از پایه گذاران مدارس جدید در اصفهان حاج سید سعید طباطبایی نائینی است. او بنیانگذار ده مدرسه، یک کتابخانه و یک چاپخانه در اصفهان بوده است. علاوه بر این، تأسیس کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد از آثار ایشان است. حاج سعید هنگامی که به تأسیس دبستان اقدام کرد، متوجه شد که دانش آموزان کتاب درسی ندارند، پس به نوشتن کتاب درسی پرداخت و برای چاپ آنها، شخصاً چاپخانه به راه انداخت (مطبعه گلپهار اصفهان) (معتمدی، ۱۳۸۶: ۱۷)

توجه به درس انگلیسی در مدرسه سعادت بوشهر. در مدرسه سعادت بوشهر (تأسیس ۱۲۷۸ ش) در کلاس نهم که آخرین مرحله از دوره آموزشی در سال ۱۳۰۷-۱۳۱۰ بوده است، بیشترین ساعات درسی را درس انگلیسی تشکیل می داد. گفتنی است که نام درسها در ساعات آموزش هفتگی به انگلیسی آمده است: ریدر (قرائت انگلیسی)، کامپزیشن (انشا)، ترانسلیشن (ترجمه) دیکتیشن (املا)، گرامر انگلیسی (دستی، ۱۳۷۸: ۱۳۰). این مدرسه تأثیری فراوان در گسترش آموزش جدید برکرانه های خلیج فارس و دریای عمان داشت. فعالیتهای این مدرسه شهرهای نجف اشرف، کربلا، کاظمین و سامرا را شامل می شد و سرزمینهای امارات، بحرین، کویت، زنگبار و هند را متوجه خود ساخت (همان منبع ص ۲) شاید توجه به زبان انگلیسی به سبب رفت و آمدهای تجار به بوشهر و کرانه های

خلیج فارس بود که دانش‌آموختگان مدرسه با آنان مراوده‌های تجاری و فرهنگی داشتند.

مشارکت مردم و مدرسه سعادت. این مدرسه مثل دهها مدرسه دیگر که در دوره قاجار به همت مردم تأسیس می‌شدند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷)، به یاری مردم و خیرین دایر شد. به این ترتیب شهر بوشهر یک صدسال پیش، بدون اتکا به دولت وقت، مدرسه ای کاملاً غیرانتفاعی در قلب جنوب کشورمان بنیان گذاشتند.

تأثیر مدرسه سعادت. به گفته نویسنده کتاب "نگاهی به تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر" (دشتی، ۱۳۷۸) این مدرسه تاکنون نویسندگان، شاعران، استادان، معلمان، نمایندگان مجلس، سفیران، مهندسان، متخصصان، بزرگان کشوری و لشگری، نهضت‌طلبان و انقلابیون و خدمتگزاران مسلمان زیادی را در خود پرورش داده و تعداد بسیاری از شهیدان انقلاب اسلامی و جبهه و جنگ را تقدیم ایران اسلامی نموده است (ص ۴۵).

ویژگیهای مدرسه سعادت. اداره کردن مدرسه به صورت هیئت امنایی از جمله ویژگیهای خاص این مدرسه بوده است (دشتی، ۱۳۷۸: ۴۵) عزل و نصب کارکنان مدرسه، نظارت بر چگونگی مدیریت مدرسه (حتی اجازه رفتن به مرخصی مدیر با نظارت آنان بوده)، نظارت بر وضع تحصیلی دانش‌آموزان و فعالیتهای معلمان برعهده هیئت امنا بوده است (همان منبع ص ۴۹). برای نمونه: در این مدرسه دانش‌آموزان درسی به نام طب هم می‌خواندند، گویا به دلیل سخت بودن این درس برای دانش‌آموزان، هیئت امنا در چهارم شوال ۱۳۲۴ ق/ ۱۲۸۵ ش) در خصوص درس طب مذاکراتی انجام دادند، سرانجام در جلسه هفتگی بعد (یازدهم شوال ۱۳۲۴ ق/ ۱۲۸۵ ش) به این نتیجه رسیدند که به علت عدم فهم درس طب توسط دانش‌آموزان، کلاس آن را فعلاً تعطیل نمایند تا در زمان دیگری کلاس آن مجدداً برگزار گردد (همان منبع ص ۵۰) انتخاب معلم، تعیین بازرسان آموزشی و مدرسان انگلیسی نیز برعهده این هیئت بوده است. یکی دیگر از اقدامهای جالب هیئت امنا دریافت کمک مالی از اتباع خارجی مقیم در بندر بوشهر بود که به همراه دریافت کمک

از خیرین تجار و انجمن خیریه و دیگر افراد و نهادهای کمک کننده مالی صورت می‌گرفت (همان منبع صص ۸۲، ۹۷)

دبیرستان شاهرضای مشهد مقدس

این دبیرستان که تا سال ۱۳۰۹ هـ ش، به عنوان ضمیمه مدرسه رضوی فعالیت داشت، در سال ۱۳۱۰-۱۱ هـ ش، رسماً افتتاح شد (آقا ملایی، ۱۳۸۴: ۱۵۶). این مدرسه دارای امکانات آموزشی مناسب و نگاه آموزشی گردانندگان آن نسبت به روش مرسوم آموزش در آن روزگار پیشرفته‌تر بود. گردانندگان مدرسه برای نشر و اشاعه چگونگی فعالیتهای آموزشی خود سالنامه‌ای منتشر کردند (۱۳۱۳-۱۴ هـ ش) و در آن فعالیتهای آموزشی و پرورشی مدرسه را تشریح کردند (همان منبع ص ۱۵۷). در آن سالنامه به موضوعاتی چون: اهمیت تعلیم و تربیت، تاریخچه دبیرستان، اوضاع اداری، معرفی دبیران، شیوه تدریس، فعالیتهای فوق برنامه و جز آنها پرداخته شده است. پروین گنابادی (۱۳۸۲-۱۳۵۷ هـ ش) ادیب، پژوهشگر و نویسنده که مقالاتی نیز در زمینه ادبیات کودکان و آموزش و پرورش دارد، دبیر ادبیات این مدرسه بود.

دبیرستان دخترانه مشهد نیز (تاسیس ۱۳۱۳-۱۲ هـ ش) از جمله مدارسی بوده است که در آن روزگار به همت و شهامت بانوی فرهیخته، فروغ آذرخشی گشوده شد. وی نیز مثل دیگر فرهنگ دوستان ضمن مبارزه با مقدس مآبان و مخالفان مدارس دخترانه با شهامت و ایستادگی به این کار مبادرت ورزید و سرانجام مدرسه به فعالیت خود ادامه داد. از آن پس آموزش دختران دبیرستانی بیش از پیش گسترش یافت. خانم آذرخشی به سال ۱۳۴۶ هـ ش، در مشهد مقدس زندگانی را بدرود گفت.

تأثیرها و نتایج حاصل از عملکرد مدارس موفق. بی‌گمان هدف از هر نوع آموزش، رسیدن به نتایجی است که پس از عمل تربیتی حاصل می‌شود. داوری درباره چگونگی آموزش هم در هر مدرسه براساس نتایج آن آموزش در دانش‌آموختگان صورت می‌گیرد. بی‌تردید برای ارزیابی اثرات مدارس موفق، باید معیارهایی منطقی و علمی و قابل سنجش فراهم ساخت، سپس با روش علمی به ارزشیابی پرداختن چنان کاری مستلزم

پژوهش وسیع و روشمند و ابزار و شیوه‌های خاص خود است. به هر رو، استنباط از اسناد و گفته‌ها و شنیده‌ها نیز می‌تواند تا حدودی پژوهشگر را در مطالعاتش هدایت کند. حال می‌کوشیم با توجه به اسناد موجود و ادراکات نگارنده از مطالعه اسناد و مصاحبه‌ها، استنباطهایی را به مثابه نتایج و تأثیرات مدارس که تاکنون از آنها نام برده‌ایم، هرچند کوتاه، فهرست‌وار بیان کنیم:

۱. تربیت دانش‌آموختگان مورد نیاز کشور: یکی از نتایج

این مدرسه‌ها تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص در عرصه‌های گوناگون است. گرچه بسیاری از دانش‌آموختگان این مدارس به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند، اما در کل می‌توان گفت این مدارس در تربیت نیروی انسانی موفق یا افراد آماده برای کسب تخصصها و کارهای مورد نیاز در جامعه موفق بوده‌اند. اسامی برخی از دانش‌آموختگان مدرسه البرز و مشاغل آنان در پایان کتاب سده‌نامه دبیرستان البرز آمده است و مطالعه آنها ادعاهای نگارنده را تأیید می‌کند.

بررسی اسامی فارغ‌التحصیلان مدرسه علوی نشان می‌دهد که بسیاری از مسئولان رده‌های بالای بعد از انقلاب اسلامی کشورمان تحصیل کرده‌های این مدرسه هستند. نیز مراجعه به سایت دانش‌آموختگان مدرسه فرهنگ نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان این مدرسه در زندگی اجتماعی نیز به توفیق‌هایی دست یافته‌اند. گفتنی است همه مدیران و معلمان این مدارس از نتایج کار خود بسیار خوش‌حال و آن را برای خود افتخار می‌دانند (مجتهدی، ۱۳۸۵، میرهادی ۱۳۸۶؛ آدمیت ۱۳۵۴؛ Allameh.ir). این خود می‌تواند دلیلی بر توفیق این مدرسه‌ها باشد. گفتنی است در آغاز تأسیس دانشگاه آریامهر (شریف فعلی)، اکثر استادان آن را دانش‌آموختگان دبیرستان البرز تشکیل می‌دادند (مجتهدی، ۱۳۸۵).

تربیت نیروی انسانی ماهر فقط اختصاص به مدرسه‌های تهران ندارد. تاریخ آموزش و پرورش استانها و شهرستانها هم نشان می‌دهد که نتایج آموزش برخی از مدارس در این مناطق بسیار قابل توجه است. برای نمونه، مدرسه سعادت بوشهر که صد سال سابقه آموزشی دارد کسانی را تربیت کرد که در جامعه اثرات فرهنگی و علمی شایانی به جا گذاشتند. منوچهر آتشی

(۱۳۱۰) معلم، شاعر و نویسنده معاصر؛ عبدالرحیم جعفری (۱۳۰۲ش) نویسنده و روزنامه‌نگار؛ صادق چوبک (۱۲۹۵-۱۳۷۷ش) و داستان‌نویس، اسماعیل رایین (۱۲۹۸-۱۳۵۸ش) محقق و تاریخ‌نگار؛ سید محمد فرزانه (۱۲۷۳-۱۳۴۹ش) ادیب، محقق و معلم مدرسه سعادت و تأسیس‌کننده مدارس جدید در منطقه جنوب؛ رسول پرویزی (دشتی ۱۳۰۰-۱۳۵۶ش) معلم مدرسه سعادت از آن جمله‌اند (۱۳۷۸: ۲۰۷-۲۲۵) دکتر علی محسنی دانش‌آموخته دبیرستان حکیم نظامی در مقاله‌ای تحت عنوان "دبیرستان حکیم نظامی، اولین پایگاه آموزش دانش‌نوین در قم" (روزنامه، اطلاعات ۱۳۸۷/۷/۲). از جمله چهره‌های ممتاز دانش‌آموخته این دبیرستان به این نامها اشاره می‌کند: دکتر بهرام فره‌وشی، دکتر حسین کریمان، دکتر سادات ناصری، دکتر امیرحسین یزدگردی، استاد رضاجری، استاد عطاالله بزرگ‌نیا، استاد سید احمد توکل، استاد دکتر مصطفی شهرتاش، آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله دکتر مفتاح، استاد علی اصغر فقیهی، استاد محمد حسین آل یاسین... که همه خدمات علمی و فرهنگی شایانی انجام داده‌اند.

۲. تأثیر در اندیشه و عمل تربیتی: معمولاً آغاز آموزش و پرورش نوین در عصر معاصر را تأسیس دارالفنون (پنج‌م ربيع الاول ۱۲۶۸/۱۲۳۰ش) می‌دانند. دارالفنون به همت امیرفرزانه، میرزاتقی خان امیرکبیر (۱۲۶۸-۱۲۲۲هـ ق / ۱۲۳۰-۱۱۷۶هـ ش) به سال ۱۲۶۸هـ ق / ۱۲۲۱هـ ش، افتتاح شد. این مدرسه، همچنان که در اکثر اسناد آمده است در درجه نخست مدرسه‌ای بود نظامی- فنی و فکر و انگیزه راه‌اندازی آن جنگ‌هایی بود که ایران در آن شکست خورده بود و حکومت گران‌علت را در قدیمی بودن ابزار جنگی ارزیابی کرده بودند از این رو، امیر پس از دیدار از کشورهای همسایه و مشاهده پیشرفتهای علمی و فنی و آموزشی آنها به فکر تأسیس مدرسه‌ای افتاد که هم کمبودهای نظامی را برطرف سازد و هم پایه‌های علوم و فنون را پی‌ریزی کند (برای آگاهی بیشتر با این اندیشه و شرح حال امیر ر.ک: آدمیت، ۱۳۵۶). این مدرسه فارغ‌التحصیلان بسیاری را در عرصه‌های گوناگون علمی و فنی تربیت کرد که هر کدام مصدر کاری شدند. گروهی نیز بانی تأسیس مدارس شدند (قاسمی

پویا، ۱۳۷۷) مانند میرزا حسن رشديه ۱۲۶۷-۱۲۶۳ ق/ ۱۲۳۰-۱۳۲۳ ش) که به سال ۱۳۰۵ هـ ق/ ۱۲۶۷ هـ ش آن را پایه‌گذاری کرده و برای گسترش آن رنجهای دید و ملامتها کشید (شمس‌الدین رشديه، ۱۳۶۲؛ قاسمی پویا، ۱۳۷۷؛ امید، ۱۳۳۲). پیش از گسترش مدارس جدید به سبک مدرسه رشديه، به تقلید از دارالفنون در اصفهان و تبریز مدرسی گشوده شد، اما عمر چندان زیاد پیدا نکردند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷؛ معتمدی ۱۳۸۶؛ امید، ۱۳۳۲؛ ایمانی، ۱۳۵۵). تا اینکه مدارس جدید به سبک مدرسه رشديه يکي پس از ديگري در سراسر کشور گشوده شد.

افزون بر این، دارالفنون سبب گسترش رشته‌های پزشکی و داروسازی شد که بعداً در دوره رضاشاه به دانشگاه مبدل گشت (۱۳۱۴ ش). این دانشگاه در حقیقت تجميع شده مدارس دوره قاجار بود و با اضافه کردن چند رشته جدید آغاز به کار کرد.

کوتاه سخن اینکه، پیدایش مدارس جدید که امروز شاهد گسترش آن در سراسر کشور هستیم، نتیجه تلاشهای نه چندان آسان فرهنگ‌دوستانی است که از جان و کیسه مروت و سخاوت خود سرمایه‌گذاری کردند. بعد از مدرسه دارالفنون و اندیشه رشديه و مدارس تازه تاسیس، کسانی و مدرسی دیگر در گسترش اندیشه‌های تربیتی انسان‌ساز و پویا اثرگذار بوده‌اند، نام و نشان آنها در تاریخ آموزش و پرورش استانها آمده که به مشخصات برخی از آنها و کتابها و ديگر آثارشان در این مقاله اشاره شده است. هر یک از مدارس موفق از جهت و جنبه‌ای در گسترش آموزش تأثیرگذار بوده‌اند. مثلاً مدرسه فرهاد و چند مدرسه‌ای که در سطور پیش از آنها یاد شد، ضمن تربیت کودکان و نوجوانان ایران، آثاری از خود به یادگار گذاشتند که افزون بر اثر گذاری بر معلمان و مدارس امروز می‌توانند در آینده نیز دست‌اندرکاران را به کار آیند. آثار استاد توران میرهادی که همه نتیجه تجربه‌های آموزشی در مدرسه فرهاد بوده از جمله این آثار است که همه ستودنی و آموختنی است. از جمله خدمات ایشان و همکارانشان گسترش ادبیات کودک و کتابخوانی در میان کودکان و نوجوانان است. علاوه بر ایشان از جبار باغچه بان (۱۲۶۴-۱۳۴۵ ش) معلم و بانی کودکستان در ایران، باید نام برد که برای نخستین بار در تبریز برای کودکان پیش دبستانی

کودکستانی گشود که نام آن را باغچه اطفال گذاشت و مانند فریدریش (فرویل ۱۷۸۲-۱۸۵۲م) کاربرد وسایل سمعی و بصری را در مدارس گسترش داد و سرانجام ضمن آفریدن شیوه آسان و نو برای خواندن و نوشتن کودکان، برای ناشنوایان نیز روشی ویژه ابداع کرد که پذیرش همگانی و جهانی یافت. امروزه ما شاهد خدمات گرانبه‌ای وی در عرصه‌های آموزش و پرورش کودکان و ناشنوایان هستیم. افزون بر ایشان کسانی دیگر نیز در مدارس گوناگون و خارج از مدرسه به تهیه و تدوین و گسترش کتاب‌های کودکان پرداختند که کار همه آنان ارزشمند و ماندنی است (محمدی و قایینی، ۱۳۸۱) باید اذعان کرد اثرات مدرسه‌هایی که باغچه‌بان و میرهادی و همکارانشان بنیاد نهادند، منشأ خدماتی ارزنده در آموزش و پرورش و تهیه و چاپ کتاب کودک و گسترش کتابخوانی در کشور شده است. آثار و اندیشه‌های آنان بومی، برخاسته از دل فرهنگ ایران و برای کودکان ایران امروز و فرداست.

همانگونه که درباره ویژگیهای مدرسه‌های موفق گفته شد، برخی از این مدارس به مثابه مدرسه تجربی وزارت آموزش و پرورش بودند و یافته‌ها و اندیشه‌های تربیت خود را مستقیم و غیرمستقیم به آگاهی برنامه‌ریزان و طراحان آموزشی می‌رساندند. اینکه تا چه اندازه آنها را می‌شنیدند و به کار می‌بستند، موضوعی دیگر است که ریشه در ساختار نظام اجتماعی و آموزشی کشور ما دارد، اما از نظر اثرگذاری تردیدی در آنها نباید داشت. با این حال، برخی از مدارس موفق کاری با وضعیت وزارت آموزش و پرورش نداشتند و تلاش می‌کردند به اهداف آشکار و پنهان خود دست یابند که مدرسه علوی، دبیرستان البرز، خوارزمی، هشترودی، مرجان، ودهها مدرسه دیگر در سراسر کشور از این سنخ بودند و آثار این مدارس در جامعه مورد بهره‌گیری علاقه‌مندان به علم و فرهنگ و دین قرار می‌گرفت. آثار علامه کرباسچیان، استاد روزبه و دیگر فرهیختگان مدرسه علوی نیز از این گونه بودند. آثار متعدد و ارزشمند استاد علامه و روزبه که فهرست و خلاصه برخی از آنها در سایت^۱ آمده

گویای این ادعاست. این آثار مجموعه‌ای از اندیشه‌های تربیتی و اخلاقی برای گروه‌های گوناگون مثل والدین، جوانان، معلمان و... در کل ارتقا دهنده فرهنگ معنوی ایران بوده است.

۳. معلمان و دبیران فرهیخته مدارس موفق پیام

رسان اندیشه‌های تربیتی: اکثر دبیران و معلمان مدرسه‌های موفق از جمله فرهنگیان خوشنام، علاقه‌مند و دلسوز بودند. در حقیقت در سایه کوششها و ایثارهای این بزرگان بود که مدارس نام و نشانی پیدا کردند. مدیران این مدارس هم در آغاز خود معلمان برجسته و خردورز مدارس بودند. افزون بر تأثیرگذاری این معلمان و دبیران بر دانش‌آموزان مدارس موفق، آنان به صورتهای دیگر نیز در آموزش و پرورش کشور اثرگذار بودند: نوشتن کتابهای درسی و کمک درسی، شرکت در برنامه‌ریزیهای آموزشی، شرکت در سمینارهای آموزشی، تدریس در مدارس عادی به صورت حق‌التدریسی، نوشتن مقاله و گزارش تربیتی. شرکت در انجمنهای علمی و ادبی و جز اینها.

اکثر کتابهای درسی و در بسیاری موارد، کتابهای کودکان به دست معلمانی تدوین و منتشر شده است که عمری در مدرسه‌های موفق با دانش‌آموزان کارکرده عملاً و از نزدیک با روان‌شناسی و نیاز آنان آشنا گشته‌اند. کتابهای درسی و کمک درسی مناسب معاصر بر آمده از اندیشه این معلمان بوده است. ممکن است، این پرسش پیش آید که چرا نظام آموزشی ما هنوز با کاستیهای بسیار مواجه است؟ به نظر نگارنده می‌توان گفت که همیشه و در نوشتن کتاب درسی و کمک درسی از معلمان برجسته و صالح استفاده نشده است. دیگر اینکه گاهی کتاب مناسب است اما معلمان آمادگی تدریس آن را نداشته‌اند. یکی از استادان پیشکسوت که کتاب علوم را پیش از انقلاب اسلامی تدوین کرده بود و برای آن راهنمای تدریس و تمرینهای مناسب فراهم ساخته بودند، به نگارنده گفت: وقتی در یکی از کلاسها وضع تدریس معلم این کتاب را دیدم و بلاپی را که بر سر مطالب کتاب آورده بود، مشاهده کردم، گریه‌ام گرفت!

در اوایل کار آموزش و پرورش معاصر ایران که کتاب درسی کم بود، یا اصلاً وجود نداشت برخی از معلمان برای مدرسه خود شخصاً کتاب می‌نوشتند. برای نمونه شادروان رشديه، پیر معارف

ایران، خود شخصاً برای دانش‌آموزان کتاب می‌نوشت (قاسمی پویا ۱۳۷۷) یا در اصفهان یکی از پایه‌گذاران مدارس جدید، حاج سید سعید طباطبایی، برای دانش‌آموزان کتاب نوشت، زیرا چاپخانه نبود، تا آن را چاپ کند، پس خود چاپخانه هم تأسیس کرد (معتمدی، ۱۳۸۶: ۱۷). در تاریخ آموزش و پرورش ما؛ هستند، معلمانی که هم برنامه درسی می‌نوشتند و هم کتاب و هم آئین‌نامه آموزشی و این کار را فقط به یاری عشق و شوق آموزش می‌کردند و بس! نه پولی عایدشان می‌شد و نه درجه و امتیازی. اگر هم دانش‌آموزی در درس ضعیف بود یا خود همراه وی در مدرسه می‌ماند و مشکلات درسی او را حل می‌کرد یا گاهی به خانه دانش‌آموز می‌رفت و به رایگان برایش درس می‌گفت. این چیزی نبود جز داشتن دغدغه انسان‌سازی در سر و عاشقانه و عارفانه به آموزش و پرورش انسانها عشق ورزیدن!

تحلیل و نتیجه‌گیری

- مدرسه‌های موفق در درجه نخست مدیران خوشنام و خردمند و با ایمان داشته‌اند. ثبات مدیریت به اندازه‌ای بود که گاهی مدرسه به نام مدیر آنان مشهور می‌شد و مدرسه را با نام مدیر می‌شناختند. مدیران از یک یک دانش‌آموزان و معلمان شناخت کامل داشتند. مدارس موفق، علاوه بر داشتن مدیران معلمان و کارکنان فرهیخته، دارای بینش علمی و تربیتی بودند.
- مدرسه‌های موفق در نتیجه بینش، عشق و شوق تربیت و انسان‌سازی مدیران و معلمان به موفقیت‌های آموزشی دست یافته‌اند. امکانات و تجهیزات بعد از فکر پویا و اندیشه تربیتی فراهم می‌شد از این هنگام به بعد بود که اعتماد و ایمان مردم به این مدارس آغاز می‌شد و گسترش می‌یافت.
- همه مدارس موفق به یاری مردم و به صورت مشارکتی اداره می‌شدند. این در حالی بود که نوع مشارکتها در هر مدرسه ویژگی خاص خود را داشت.

- مدرسه‌های موفق دارای یک الگو نبودند. هر مدرسه موفق الگوی خاص خود داشت. بنابراین با یک معیار نمی‌توان در مورد مدارس موفق قضاوت و داوری کرد. با این حال وجوه اشتراک آنها بسیار قابل توجه است که در این مقاله به آنها پرداخته شد.
- مدیران مدارس موفق آزادی عمل بالایی داشتند (حتی در زمانی که دستگاه رسمی و حاکم تعلیم و تربیت سدها و موانعی در راه پیشرفت آنان قرار می‌داد). این آزادی را خود مدیران و کارکنان با تدبیرهایشان به دست می‌آوردند. در صورتی که این آزادی به ایشان داده می‌شد، پیشرفت آنان دو چندان می‌گردید.
- هر زمان که مدیر موفق مدرسه تغییر می‌یافت، دیگران مدرسه ویژگیهای سابق را نداشت. با رفتن مدیر موفق، مدرسه موفق هم از هم می‌پاشید.
- به دلیل نامناسب بودن زیرساختهای اجتماعی، به ویژه حاکمیت بوروکراسی دست و پاگیر، مدرسه‌های موفق نتوانستند به کل جامعه تعمیم یابند و تسری پیدا کنند. از این رو، امروز مدرسه‌های موفق تقریباً به مثابه مدارس غیرمعمول یا استثنایی تلقی می‌شوند.
- درگیریهای سیاسی و ملاحظات شخصی بانیان و مدیران مدارس موفق سبب انحلال یا کاهش فعالیتهای این مدارس می‌شد. این در حالی بود که اکثر مدیران موفق تلاش داشتند مدرسه را از نفوذ گروههای سیاسی و سیاست بازی دور نگه دارند.
- اکثر مدارس موفق علاوه بر آیین‌نامه‌های دستگاه رسمی تعلیم و تربیت، قوانین و مقررات خاص خود را داشتند که با همکاری اولیای خانه و مدرسه و گاهی دانش‌آموزان تدوین و به اجرا گذاشته می‌شد.
- اکثر مدارس موفق به صورت هیئت امنایی اداره می‌شدند و یکی از رموز موفقیت آنها همین موضوع بوده است. با توجه به

اینکه این شیوه بیش از یک قرن در ایران سابقه دارد، امروز هم می‌توان مدرسه‌ها را به این سبک اداره کرد.

• وقتی که گفته می‌شود مدرسه‌ای، برای نمونه مدرسه علوی، می‌کوشید دانش‌آموختگان را متدین بار آورد، این به آن معنا نیست که مدرسه‌های دیگر به امر تربیت دینی توجه نداشتند^۱. برای نمونه در مدرسه فرهاد، زنده‌یاد دکتر باهنر درس دینی تدریس می‌کردند. مدرسه البرز نمازخانه مناسب داشت و دانش‌آموزان در آنجا نماز می‌خواندند.

• در اکثر این مدرسه‌ها به همه دروس به صورت یکسان اهمیت می‌دادند. هیچ درسی کم اهمیت تلقی نمی‌شد.

• توجه به ورزش، تربیت بدنی و تغذیه و بهداشت از جمله ویژگیهای اکثر مدارس موفق بوده است. محیطهای شاد مدرسه‌ها یکی از ویژگیهای این مدارس بوده است.

• متقاضیات زمانی و نیازهای دانش‌آموزان مورد توجه اکثر مدارس موفق بوده است. شاید بتوان گفت توفیق اکثر دانش‌آموختگان این مدارس نتیجه همین توجهات بوده است.

• در اکثر این مدارس تلاش می‌شد که در عرصه‌های آموزش به شیوه‌های نو و نامرسوم پرداخته شود. مدرسه فرهاد، عادت به مطالعه و کتابخوانی و مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیریها و رفاقتی رفتار کردن به جای رقابتی عمل کردن را مرسوم ساخت. در مدرسه البرز، رده‌بندی کلاسها بر مبنای تواناییها و توجه به کاردستی همراه با علم‌آموزی به صورت آزمایشگاهی مرسوم

۱. نگارنده که تمام دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهرستان اردبیل گذرانده‌ام به یاد دارم که در اکثر مدارس ضمن آموزش دین و مهم شمردن آن، مدیر مدرسه ابتدایی ما جناب آقای جلالی ظهرها ما را به مسجد نزدیک مدرسه دبستان امیرمعزی می‌بردند و ما به جماعت نماز می‌خواندیم. ایشان اکنون که بیش از هشتاد سال دارند مشغول تفسیر قرآن کریم هستند. در دبیرستان، در برنامه صبحگاهی هر روز یکی از دانش‌آموزان نخست قرآن قرائت می‌کرد پس از آن سرود "ای ایران" را می‌خواندیم. پس از بررسی وضع بهداشت یک دانش‌آموزان: دست و صورت، تمیزی یقه پیراهن، کت و غیره عازم کلاسها می‌شدیم.

بود. انضباط و نظم از ویژگیهای این مدرسه بود. در مدرسه علوی پیوند علم و دین و تربیت شخصیت‌های علمی - دینی مورد توجه قرار گرفت. هر مدرسه موفق در حقیقت یک کار نو انجام می‌دهد. در مشهد مقدس در مدارس جامع تعلیمات اسلامی روشی نو برای تدریس قرآن کریم ابداع شد. رشديه به ابداع روش جديد آموزش خواندن و نوشتن پرداخت و روش وي مبنای آموزش نوین قرار گرفت جبار باغچه‌بان با راه‌اندازی باغچه‌های اطفال و آموزش ناشنویان و کاربرد وسایل دیداری و شنیداری طرح نو در انداخت.

• روشهای مدیریتی متفاوت از ویژگیهای مدیریت در اکثر این مدارس بوده است. مدیریت مشارکتی استاد توران میرهادی در مدرسه فرهاد، مدیریت اقتدارگرایانه دکتر مجتهدی در دبیرستان البرز، مدیریت روحانی و پدرانیه توأم با اقتدار در مدرسه علوی، سه نوع مدیریت متفاوت اما موفق در سه مدرسه متفاوت بوده است. گفتنی است مدیریت دکتر مجتهدی نه در دانشگاه آریا مهر (شریف) پاسخ مثبت داد و نه در دانشگاه ملی. دلیل هرچه باشد مهم این است که دکتر مجتهدی مناسب برای آنها نبوده است. اما ۳۷ سال در البرز مقتدرانه مدیریت کرد و خود وی این مدیریت را بیش از مشاغل دیگرش می‌پسندید و علاقمند آن بود. به نظر نگارنده دکتر مجتهدی برای مدیریت در دبیرستان ساخته شده بود. شاید بتوان گفت دانشگاهها بیشتر به مدیران دموکرات نیازمند هستند تا مدیران اقتدارگرای.

در اکثر این مدرسه‌ها علاوه بر توجه به دانش و مهارت‌آموزی توجه به مهارت‌های زندگی و در کنار هم زیستن مورد توجه بوده است.

• تجربه‌های مدرسه‌های موفق، مستقیم و غیرمستقیم در کل نظام آموزش و پرورش کشور مؤثر بوده است. گرچه تجربه همه آنها تصمیم‌پذیر نبوده است.

• توفیق مدیران مدارس موفق نه فقط در میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، بلکه در بینش تربیتی و نگاه آنان نسبت به انسان و شخصیت دانش‌آموزان بوده است. توفیق مدیران و معلمان در این مدارس در نگاه آنان به عالم و آدم و پرورش انسانهای آزاده و متکی به نفس و علاقه مند به همزیستی با دیگران بوده است. موضوع کنکور و اخذ مدرک و جز اینها در درجات بعد قرار داشته است.

• گرچه مدیران اکثر مدارس تلاش می‌کردند که دانش‌آموختگان آنها از نفوذ سیاستها و سیاست‌بازی و به طور کلی مسائل سیاسی دور بمانند، اما در عمل و به دلایل گوناگون، از جمله شرایط خارج از مدرسه و بینشهای شخصی و گروهی و خانوادگی برخی از دانش‌آموزان، این خواسته مدیران برآورده نمی‌شد و به رغم خواستههای مدیران، بسیاری از فعالان سیاسی از میان دانش‌آموزان این مدارس برخاستند.

• در حالی که اکثر این مدارس به صورت گزینشی دانش‌آموز می‌پذیرفتند، بودند و هستند مدارس که به صورت معمول دانش‌آموز می‌پذیریند و موفق هم می‌شوند برخی از این مدارس حتی مخالف گزینشی کردن مدارس بودند و هستند.

• گرچه مدارس گزینشی با شهریه و هدایای اولیای دانش‌آموزان اداره می‌شدند، با این حال در این مدارس سهمی برای دانش‌آموزان نیازمند در نظر گرفته می‌شود و از آنان رایگان ثبت نام می‌شود.

• از تجربه‌ها و عملکردهای مدارس موفق که همه ریشه در کارهای مدیران و معلمان بومی و میهنی دارد، استنتاج می‌شود که می‌توان مدارس موفق و مناسب فراوان داشت، به شرط آنکه امکان تصمیم‌گیری به افراد داده شود، اعتماد در میان باشد، برای افراد شخصیت قائل و احترام گذاشته شود و از مدیریتهای هرمی سخت گیرانه و دستوری خودداری شود.

• از مطالعه عملکرد مدارس موفق نظریه و عمل تربیتی ملی و بومی برای آموزش و پرورش کشور فراهم ساخت. به شرط آنکه اجازه ابراز اندیشه و نظر به همه داده شود و این امور بدون ملاحظات شخصی و گروهی و غیره انجام گیرند. وجود مدارس موفق در آموزش و پرورش معاصر ایران از صد سال پیش تاکنون حاکی از آن است که می‌توان مدرسه موفق داشت، به شرط آنکه به ساز و کارها و فلسفه موفقیت این مدارس توجه داشت و آنها را عملی ساخت. چگونگی این کار از مطالعه و تحلیل عملکرد این مدارس قابل حصول است.

• مطالعه مدارس موفق نشان می‌دهد که این مدارس بدون کمکهای مالی و حتی فکری دولتها می‌توانند به موفقیت‌های آموزشی دست یابند. همچنین این نوید را می‌دهد که جامعه ما بالقوه توانایی اداره غیرمتمرکز مدارس در مناطق گوناگون را دارد. کافی است موانع اداری و قوانین و دستورات و آیین‌نامه‌های دست و پاگیر از میان برداشته شوند. به طور کلی، مطالعه تاریخ آموزش و پرورش و مدارس ایران نشان از آن دارد که میهن ما در بسیاری از دورانها توانسته است به صورت غیرمتمرکز و مبتنی بر عمل و فکر مردم هر منطقه مدارس موفق بسیار داشته باشد. این رویکرد امروز هم می‌تواند عملی گردد. گفتنی است برخی از مدیران موفق معتقدند که تجربه و روش آنان کاملاً معطوف به این اهداف بوده است که بتوان تجربه‌های آنان را در سراسر کشور تعمیم و تسری داد. اینکه چنین کاری شدنی است یا نه به قول حافظ:

گویند سنگ لعل شود در آری، شود و لیک به خون

مقام صبر برتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی جگر شود

پیشنهاد

براساس داده‌های این بررسی، چنانچه تجربه‌های مدارس موفق و مؤلفه‌های آن در سطح ملی و محلی شناسایی شوند و گروه‌های پژوهشی مجرب آنها را مورد نقد و تحلیل قرار دهند، می‌توان از آن تجربه‌ها الگوهای عملی و نظری بومی استخراج کرد و آنها را با دانش تربیتی موجود تطبیق داد و دانش تربیتی بومی و مناسب با جهان امروز تولید کرد. بی‌گمان چنین دانشی به دلیل بومی و ملی بودن و محک زدن به دانش نو و جهانی می‌تواند برای حل دهها مسئله تعلیم و تربیت کشور ما کارساز و پاسخگو باشد.

از این رو، پیشنهاد می‌شود که مسئولان پژوهشی این مهم را در اولویت کارهای پژوهشی قرار دهند و امکانات و شرایط دستیابی به این مقصود را فراهم سازند.



منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۶) *امیرکبیر و ایران*، تهران: انتشارات خوارزمی.
- آدمیت، منوچهر (ویراستار) (۱۳۵۴) *سده نامه دبیرستان البرز (۱۳۵۲-۱۳۳۵ ش)* آقاملائی، ایرج (۱۳۸۴) *تاریخچه آموزش و پرورش نوین مشهد و اداره کل خراسان*، مشهد: مرنديز.
- امداد، حسین (۱۳۷۱) *طرح تحقیقاتی تاریخ آموزش و پرورش فارس از عهد باستان تا امروز*، سازمان آموزش و پرورش استان فارس؛ شورای تحقیقات.
- امیدحسین (۱۳۳۲-۱۳۲۴) *تاریخ فرهنگ آذربایجان*، ۲ ج تبریز: اداره فرهنگ آذربایجان شرقی.
- ایمانیه، مجتبی (۱۳۵۵) *تاریخ فرهنگ اصفهان*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- خطیبی‌زاده، محمد؛ هاشمی‌پور، محمد (۱۳۷۲) *تاریخچه تعلیم و تربیت (فرهنگ نوین) استان هرمزگان*، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان.
- خمارلو (میرهادی)، توران (۱۳۷۶). *جست و جو در راهها و روشهای تربیت*، تهران: انتشارات آگاه.
- دشتی، احمد (۱۳۷۸) *نگاهی به تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر در کنگره بزرگداشت یکصدمین سالگرد مدرسه سعادت بوشهر؛ بوشهر: نشرهمسایه.*
- دونالد چاکر، آرتور؛ هاینز، ریچارد (۱۳۷۶) *مدارس برتر جهان، استاندارهای جدید آموزش و پرورش*، ترجمه مرجان مرندي، دفتر همکاریهای علمی بین‌المللی، وزارت آموزش و پرورش.
- رزاق‌پناه، ویولت؛ افتخاری، شهلا (۱۳۸۵) *زندگینامه سرکار خانم میرهادی (مجموعه زندگینامه‌ها؛ ش ۱۴)*، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، شماره ۳۸۳
- رشدیه، شمس‌الدین (۱۳۶۲) *سوانح عمر*، تهران: نشر تاریخ ایران
- رشدیه، فخرالدین (۱۳۷۰) *زندگینامه پیرمعارف رشدیه، بنیانگذار فرهنگ نوین ایران*، تهران: انتشارات هیرمند.
- روح‌الامینی، فاطمه بیگم؛ نادری، شهناز؛ صفا، عزیزالله (۱۳۸۴) *گنجینه آموزش و پرورش شهر کرمان در آیین تاریخ ۲ ج کرمان: سازمان آموزش و پرورش*، استان کرمان.
- علامه کرباسچیان. *زمینه‌های فکری و تاریخیچه تأسیس مدرسه علوی از زبان مرحوم استاد علامه کرباسچیان*. قابل بازیابی در <http://www.allameh.ir>
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷) *مدارس جدید در دوره قاجار: بانیان و پیشروان*، تهران: نشر دانشگاهی.
- _____ (۱۳۸۴) *برخی کاستیهای پژوهشهای تربیتی در ایران*، در *ویژه‌نامه هفته پژوهش*، مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی، وزارت آموزش و پرورش
- _____ (۱۳۸۵) *اندیشه‌های تربیتی و اعتقادی رشدیه، زندگینامه غلامحسین شکوهی*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مجموعه زندگینامه‌ها (۷۱).
- مجتهدی، محمدعلی (۱۳۸۵) *خاطرات محمدعلی مجتهدی*، رئیس دبیرستان، (متن کامل)، در *مجموعه تاریخ شفاهی ایران*، ویراستار حبیب لاجوردی [برای]. طرح تاریخ شفاهی ایران، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاهها روارد ۱۹۹۶. تهران: صفحه سفید.

تبیین و تحلیل ویژگی‌های مدارس ...

محسنی، علی (۲مهر ۱۳۸۷) دبیرستان حکیم نظامی، اولین پایگاه آموزش دانش نوین در قم، *روزنامه اطلاعات*.

محمدی، محمدهادی؛ قاینی، زهره (۱۳۸۱) *تاریخ ادبیات کودکان ایران* (ج۵)، تهران: نشر چیستا.

معمدی، اسفندیار (۱۳۸۶) *اصفهان، مدارس نوین و مفاخر آن*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

میرهادی، توران (۱۳۵۹) کتاب *کارمربی کودک، برنامه کارسالانه مربی در مهد کودک و کودکستان*، تهران: آگاه

_____ (۱۳۸۳) *کتابخانه آموزشی و نقش آن در ایجاد عادت به مطالعه* (ویرایش دوم). تهران: نشر کتابدار.

_____ (۱۳۸۶) هر روز یک کشف تازه است، *فصلنامه تخصصی کارآمد*، ۱: ۹-۱۵.

_____ (ویراستار) (۱۳۸۶) *توران میرهادی: استاد برجسته آموزش و پرورش در*

ایران. (از سری کتابهای کسانی که جامعه را می‌سازند ش ۳) تهران: نشر دیبایه.

هدایی، محمد؛ مهدوی، فاطمه (۱۳۸۱) *دانشنامه آموزش و پرورش، آموزش عالی و حوزه علمی ایران*. دانشگاه آزاد اراک.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی